

پیش به سوی اتحاد سرافرازی شوراهای
برای تشکیل مجلس مؤسسان جمهوری اسلامی
زنده باد حکومت تاجران و دستفشار

چه باید کرد آزاد باید کرد!

صدای حزب کارگران سوسیالیست
قیمت ۲۰ ریال
دوره دوم شماره ۴۳
شنبه ۱۳۵۹/۶/۱

تشکیل جبهه متحد مقاومت ص ۵ ضرورت مبرم جنبش ملی خلق کرد



برنامه رجائی ص ۲

اعتصابات در کهستان ص ۱۱

قوانین ضد کارگری رژیم "حامی مستضعفین" ص ۶۰

برای ۴ ساعت کار در هفته!
برای کاهش ساعات کار! ص ۱۶

- نامه‌های ریسه ص ۱۵
- مجلس آفان!! ص ۸
- ارتجاع و اشناسیم:

مجاهدین انقلاب اسلامی ص ۷

■ بحث آزاد: رزمندگان و... ص ۱

"نفوس سود و بیژنه"
جمله "بیژنه" به کارگران
دفاع "بیژنه" از سرمایه‌داران ص ۳

برنامه عمل زحمتکشان:
آزادی ملیتهای ستمدیده ص ۱۳

ارتش و پاسداران را از کردستان خارج کنید!

برنامه رجانسی

عاقبت ، بعد از مدت‌ها انتظار ، آقای رجانسی نخست وزیر ، "مطلبه امام ، برادر رئیس جمهور و فرزند مجلس" ، برنامه خود برای حصل مشکلات حاد ملکنی را در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد . در اهمیت این مصاحبه نمی‌توان زیاد سخن گفت . در شرایط بحرانی کنونی مردم ستم زده ایران ، که بحران همه جانبه اقتصادی و اجتماعی عمده را سخت‌تر آن‌ان تنگ کرده است ، همگی در ایمن فکر هستند که چاره چیست ؟ آیا واقعا راه حلی وجود دارد ؟ و طبیعتا چشم اکثریت ، برای دریافت پاسخ ، هنوز به دهان نخست وزیر دوخته شده است . اهمیت این مسئله در حال حاضر به حدی است که حتی جناب امام جمععه قمر لازم دیدند علنا آن را به آقای رجانسی گوشزد کنند ، و در خطبه نماز جمعه (روز ۲۲ مرداد ماه) فرمودند : " سه سال است ملت ایران هوش شعبار داشته و تظاهرات و حرف ، مردم دیگر خسته شده اند ، مردم دیگر شعبار و مصاحبه نمیخواهند ."

بنظر میسرود خود آقای رجانسی نیز به اهمیت موضوع واقف باشند . زیرا در همان مصاحبه علت بحران کنونی را چنین بیان کرده اند : " یکی از مشکلات ما این است که از ۲۲ بهمن ۱۸ ماه دور شدیم ، ما در ۲۲ بهمن یک آبادی داشتیم که بزرگترین حرکتی را حاضر بودیم حصل کنیم ، ولی آن آبادی الان به آن اندازه وجود ندارد ... آن نظامی که باطراش خون دادیم در جامعه ما حاکم نشد ، بعقیده ایشان ، مشکل اینست که در این ۱۸ ماه برنامه نداشته ایم و این بی برنامه‌گی طوری است که مردم نمیدانند بالاخره به کجا میریم ، صنایع نمیدانند ، تولید و کشاورزی نمیدانند ، این یک گرفتاری هست که بطور فزاینده کلاسه (؟) نشد ..."

بسیار خوب آقای رجانسی ، ولی اگر شما بطور به اهمیت داشتن برنامه روشن (که بطور فزاینده کلاسه شده باشد) ، و اهمیت های فاجعه آمیز ناشی از بی برنامه‌گی واقف هستید ، پس چرا وقتی روز بعد از نخست وزیر شدن از شما میپرسند : برنامه شما چیست بنده این پاسخ مسخره افکنده میکند که " من مقلد فلاطیم و برادر بهمانی ؟ آخر این چه مسخره بازی است ؟ خود نشان را مسخره کرد ماید یا مردم را ؟ آیا این پاسخ مسخره حاکی از بی برنامه‌گی شما نیست ؟ آیا قبول هست نخست وزیری ، در شرایط کنونی ، بدون داشتن برنامه ؟

روشن ، علی جنابیت آمیز نیست ؟ بهبود نیست که هیچ کس نمیخواهد سوولیت انتخاب شما را برعهده بگیرد ، بهبود نیست که آقای رئیس جمهور بعد از معرفی شما به مجلس لازم می بیند علنا اعلام کند که شما از اوضاع ملکنیت اطلاعی ندانید و قدری هم خیره سر و گله شق هستید ، بهبود نیست که بعد از معرفی شما بمجلس در مجلس دعوا در میگردد که سوولیت انتخاب شما بسا رئیس جمهور است و نه مجلس ، در هر صورت اگر کوچکترین شک و شبهه‌ای در سرد رگی ، بی اطلاعاتی و بی برنامه‌گی نخست وزیر برای کسی وجود داشته مصاحبه اخیرشان "انشاء الله" بر طرف کرده است ، عدم آشنائی بسا امور سیاسی و اقتصادی که ایشان در این مصاحبه به نفع ظهور نگذاشتند در نوع خود منحصر بفرد است .

ایشان در پاسخ باین سوال که برای بیکاران چهره‌های در نظر گرفته اند پاسخ میدهند : " من با ایجاد کار بوسیله شرکت‌های تعاونی به آن معتقد هستم ... برادران ما که در دولت قبلی عمل میکردند از این برنامه راضی بودند ... اگر ما بیکارها را وادار به کار تعاونی کنیم میتوانیم روی آنها سرمایه‌گذاری کنیم . اینست برنامه نخست وزیری که میگوید هدف من رسیدگی به مسائل کسانی است که فرش شان زمین است و لحاف شان آسمان ، برای بی‌کاران ! اولاً چطور ممکن است که اعضا دولت قبلی از برنامه خود برای حل بیکاری راضی بوده باشند (مگر اینکه فرض کنیم ایشان همه سبب زمین خالی بودند) که حالا شما برنامه ایشان را میخواهید دنبال کنید ؟ ثانیاً واقعیت اینست که اگر هر برنامه دیگری میدادید از این یکی معقول تر بود ."

هم اکنون شرکت های بزرگ بسا سرمایه‌های کلان و با مدبران زالوسر صفتی کسلخ به آخرین شرکدهای بند و بست و پشت هم اندازی و کلاه برداری هستند ، در حال ورشکستگی قرار دارند ، حال بیکاران ملکن بدو ن سرمایه (یا اگر خوش بین باشیم ، بسا سرمایه ناچیزی که شما در اختیارشان ممکن است بگذارد) چطور میتوانستند تشکیل شرکت بدهند و زندگی خود را از آنجا تامین کنند ؟ راه حل مشکل بیکاری را ما بارها و بارها در چه باید کرد مطرح کردیم ؛ تنها با بریدن از سرمایه داران گسردن کلفت و قرار دادن سرمایه های ملکنیت در اختیار جامعه ، با معادله و بسره -

انداختن کارخانه‌های راکد و با آفساز طرح‌های وسیع عمرانی و تولیدی از سوی دولت و یا تقسیم کار موجود ما بین همه است کمیتوان شکل بیکاری را حل کرد ، اما پاسخ نخست وزیر به اینگونه چه برنامه‌ای برای حل مشکل مسکن دارند حتی جالب تر است :

" ما یک مقدار شهر زده شد ما هم و این الویت خاص را در شهرها جستجو میکنیم ، من فکر میکنم آن چیزی که ما باید به آن الویت داده شود فرهنگ است ، مردمی داریم که فرش شان روی زمین است و لحاف شان روی آسمان ، مسکن آنها را فراموش کرده ایم و نگران کسانی هستیم که خانه شان کوچک است ، (باید) مستضعف واقعی را بیاییم ، و بعد از این تحلیل صبیق ادامه میدهند ، شهرها خانه کم دارند یا روستاها آب آشامیدنی ندارند " (؟) " در روستا - بطی کبر روستاها آب ندارند آنها خانه در شهرها از الویت برخوردار است ؟ ... " و این بود برنامه آقای نخست وزیر برای مسئله مسکن ، در این مورد چند نکته را باید به حضور آقای نخست وزیر عرض کرد ۱۰ - این مسائل چه ربطی به مسئله فرهنگ دارد ؟ ۲ - مسئله مسکن مسئله کسانی نیست که خانه‌شان کوچک است ، بلکه مساله همان کسانی است که فرش شان زمین و لحاف شان آسمان است " کسانی که بی خانمان و سرگردان در گودها زندگی میکنند ، ۳۰ - مساله آب در روستاها اساسا مساله کمبود آب آشامیدنی نیست ، بلکه مساله کمبود آب برای آبیاری اراضی و کشاورزی است ، و در هر صورت وجود مساله آب لزوم حل مساله مسکن را رفع نمیکند . ۴ - با مطرح کردن مساله آب از زیر دامن برنامه برای حل مساله مسکن در رفتید ، بسیار خوب ، برنامه شما برای حل مساله آب روستاها چیست ؟

و حالا پاسخ آقای نخست وزیر طرفدار " فرهنگ " به مساله معیارهای انتخاب کابینه را بشنوید : " من توانائی کار بدون مسدرد را عنوان کردم ، اگر شما دقت کرده باشید در کلیه انقلابات دنیا انقلابیون آنها را معیار بی مدرك هستند ... اگر میخواستید چه های سربیزی را باشند و درس بخوانند دیگر آنها انقلابی نیستند " ، در واقع بنظر جناب نخست وزیر مطالعه و تحصیلات عالی علامت سربیزی و بی دست و پائی نقطه ضعفی است که در شخص و زیر دگر غیر قابل تحمل خواهد بود ، سو تقاضم نشود ، مقصود ما این نیست که بر اهمیت مسدرد بافتاری کنیم ، شرایط تحصیلات عالی در جامعه سرمایه‌داری را ما بیشتر از هر کس دیگر میدانیم و واضح است اگر یک فرد انقلابی بعلمت دگرگیری ها و بسا سوولیت هایش موفق به حصل نشود این

نمی‌تواند نقطه ضعفی برای او محاسب آید ، آنچه بنظر ماسخره مایه تکبیه آقای نخست وزیر برین مدركی است ، و نظر ایشان که هر کس به حصل علم و فن پرداخت انسان سربیز و در نتیجه " بدر نخوری " است ، این خیلسی بی طرفداری از فرهنگ " میدهد ، همان فرهنگ که انقلاب فرهنگ کرد ، بقه سخنان آقای نخست وزیر در مورد برنامه راجسی محضری محتسب است ، مثلا به پاسخ ایشان به این سوال که اختلافات طبقاتی را چگونه از بین خواهند برد توجه کنید :

" ما برنامه‌ای برای مشخص شدن حد مالکیت داریم ، اما چگونه این حد را تعیین خواهیم کرد ؟ این یک معیار - هائی دارد که بر اساس آن عمل خواهیم کرد ، و من خیلی به این مساله اهمیت میدهم و امیدوارم جز کارهای دست اوله باشد و برای آن الویت خاص ما قائلم ، واقعا کما این جمله برداری همه جوانب مساله را روشن کردند ، تمام زحمتکشان ایران من توانده آسوده باشند زیرا آقای نخست وزیر مساله محدود مالکیت را حل کرده اند ، فقط ماند مساله معیارهای آن را تعیین فرمایند ! ایشان در تمام طول زندگی انقلابی شان فرصت نداشته اند که اینکار را انجام دهند ، هر چند که برای آن الویت خاص " قائلند ."

و راستی چکس سوول این نخست وزیر " با فرهنگ " است ؟ شاید مطرح کردن این سوال باین صورت درست نباشد ، از کسانی که نخست وزیر به مجلس معرفی میکنند و بلافاصله از خود سلب سوولیت میکنند ، بیش از این نمیتوان انتظار داشت ، لااقل انتظار سوول بودن از اینها داشتن بهبود است ، باید سوال را به این صورت مطرح کنیم ، این انتخاب بیانگسر چیست ؟ گفتا بهت معروف که میگوید هر جاعتی حکوش را که در خور است بوجود میآورد ، این مثل در بساره هبات حاکمه کنونی ما سخت صادق است ، چنان " بدری " و چنان " برادری " را چنین " بسری " شاید ، هبات حاکمائی که در مدت بیش از ۱۸ ماه جز و ناتوانسی کامل خود را در حل و حتی دست به گریبان شدن با کوچکترین مسائل ملکنی نشان داده است ، حالا این چیزها بطور عریان به نمایش گذاشته است ، آنچه پنهان بود عاقبت آشکار میشود ، کاططعیت غرور " رئیس جمهور بالاخره ماهیت خود را در انتخاب نخست وزیر که برعسم خود ایشان ناتوان و بی اطلاع است آشکار میکند ، کابینه رجانسی کابینه جسز است ، جز و ناتوانی و سر درگی ، در مقابل این چیز و سرد رگی هبات حاکمه ، این کارگران جدید نظام ورشکسته سرمایه‌داری ، مارکسیستهای بقدر صفحه ۶

”لغو سود ویژه“ : حمله ”ویژه“ به کارگران، دفاع ”ویژه“ از سرمایه داران!

احمد کاویان

همان حقوق ثابت روزانه و یا ماهانه‌ای است که کارگران دریافت می‌کنند - اما مزایا اشکال مختلفی دارد و در مورد کارگاه ها و کارخانجات متفاوت نوع میزان آن کاملاً متغیر است - از جوجه‌ی تحت عنوان مزایا پرداخت می‌شوند می‌توان از حق اولاد (عائله بندی) حق بندی آب و هوا - حق فنی - حق کارگاه - کمک هزینه خواربار - کمک هزینه مسکن و حتی بعد مسافت (ایاب و ذهاب) - عییدی و ویژه کارخانجات نام برد - انگیزه سرمایه - داری از این تقسیم بندی مخصوص کاملاً روشن است - از این طریق سرمایه داران و کارفرمایان موفق خواهند شد که در موقع پرداخت بیه و دستمزده دوران صلح بهاری - بیری و بازنشنگی - نفس محسوس دائم - بیکاری و یا مرگ بجای در نظرس گرفتن گل دستمزده صرفاً به جنسی از آن اکتفا کنند و بدین ترتیب از پرداخت کمال حقوق کارگران سرچی نمایند - در همین حال این بخش از دستمزده کارگران در پرداخت های مربوط به تعطیلات - مرخص ها و عسرصا در اخراج و بازخرید شدن کارگران منظور نمی‌گردد -

زیم شاه نیز در دی ماه سال ۱۳۴۱ و مصادف با مصلحت ”انقلاب سفید“ مجبور به افزایش دستمزده کارگران گردید - در این رابطه چسای بالا بودن سطح حداقل دستمزده و بسا افزایش معینی از دستمزدها و بسا از طریق آزاد پاد دستمزدها متناسب بسا افزایش سطح تورم - به روش شناخته شده فوق الذکر متوسل گردید و باین ترتیب قانون سپیم کردن کارگران واحد های تولیدی و صنعتی مشمول قانون گساردر حد اکثر بیست درصد سود ویژه کارخانجات را بندهیب رساند - نتیجتاً با این کار جلو افزایش واقعی دستمزدها را گرفتند و با نامگذاری این قانون باسم اصل چهارم ”انقلاب شاه و مردم“ مسمی‌سود کارگران را در مورد اهداف خود تصدیق نماید - این قانون از همان ابتدا از هزار و یک محدودیت برخوردار بود - اولاً گنگ کارگران را شامل نمی‌شد پسرا بسیاری از کارگران صنوف و حرفه کارگران خدمتاتی از دریافت این وجه محرومی‌شدند در همین حال این قانون شامل حال کارگران کشاورزی - ساختمان و کارگران شهردار و شرکت واحد نمی‌شد - ثانیه کارگران در شرایط اختناق پلیسی در تعیین سود ویژه هیچگونه نظارت و دخالتی نداشتند و کارفرما به عنوانی مختلف سود در این تقسیم بندی منظور از دستمزده

میرگفته شورای انقلاب اسلامی در طول ۱۸ ماه فعالیت خود حدود ۲۰۰۰ لایحه و طرح را به تصویب رساند که این لایحه و طرح ها در چهار مجلد آماده شده‌اند - یکی از آخرین مصوبات شورای انقلاب - لایحه لغو سپیم کردن کارگران در ۲۰ درصد سود ویژه کارخانجات است که هیات حاکم اصرا داد آنرا ”لایحه تأمین منافع کارگران!“ بنامسد - این لایحه پس از بررسی ها و تحقیقات فراوانی که توسط وزارت گسار و وزارت صنایع و معادن صورت گرفته بود طرح ریزی گردید و بشکل پیشنهاد بسه شورای انقلاب برده شد - قبل از هر چیز ناگفته نماند که در راس وزارت کار آقای محمد رضا نعمت زاده صاحب کارخانه لیتیموس قرار دارد - و بسا وزارت صنایع و معادن هم بعیده آقای محمیدود احمد زاده می‌باشد - کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران (گروه صنعتی شهبان سابق) ماه ها پیش در اطلاعیه ها - اعتراضات و تظاهرات خیابانی خود در اهواز اعلام کرده بودند که جناب وزیر از طریق ایجاد ی و عوامل خود بسا طی رضایی ستانور شاه مخلوع و صاحب سابق و فراری این واحد تولیدی در خارج از کشور وارد تماس های مشکوک شده بود - در ضمن بخاطر این که در مخالفتی با شورا های کارگری از هیچ اقدامی و از آنجمله دستور دستگیری اعضای شورای مرکزی گروه ملی صنعتی فولاد فریزگار نبودند - لذا کارگران عزل ایشان را خواستار شده بودند - بسره حال پیشنهاد مزبور ابتدا ”در هیات اقتصادی“ شورای انقلاب مورد بحث و بررسی و تأیید قرار گرفت و سپیمی در شورای انقلاب به تصویب نهایی رسید - از جمله اعضای هیات اقتصادی شورای انقلاب باید از آقای عزت الله سحابی (وزیر برنامه و بودجه) نمایند - مجلس و یکی از پایهگذاران نهضت آزادی ایران (وطنی اکبر معین فر) وزیر نفت و نماینده مجلس شورای اسلامی و مشاور فنی سابق ساواک در امر ساختن زندان عباس متغیر به دریافت نشان تاج همایون (نام برود - دیگر اعضای شورای انقلاب نیز بسه ترتیب عبارتند از: ابوالحسن بنی‌صدر (رئیس جمهور - رئیس شورای انقلاب - صاحب امتیاز روزنامه انقلاب اسلامی و یکی از نظریه پردازان صد - جامعه جومیدی و فسط اسلامی) - آیت الله محمد بهشتی (رئیس دیوان عالی کشور - دبیر کل حزب جمهوری اسلامی و مسئول واقعی روزنامه جمهوری اسلامی) - آیت الله

موسوی اردبیلی (دادستان کل کشور) - آیت الله محمد رضا مهدوی کنی (وزیر کشور و قبه شماره یک شورای نگهبان قانون اساسی) - حاجت الاسلام فلسی اکبر هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی و یکی از رهبران حزب جمهوری اسلامی) - آیت الله باهنسر (نماینده مجلس و یکی از رهبران حزب جمهوری اسلامی) - حاجت الاسلام سید علی خامنه‌ای (نماینده مجلس - امام جمعه تهران و یکی از رهبران حزب جمهوری اسلامی) - صادق نطسب زاده (وزیر امور خارجه - رئیس باند چماداران زهراخانم و یکی از سر سخت ترین پیروان و مدافعین ”خط اصیل امام“) - حسن حبیبی (سخنگوی شورای انقلاب - وزیر علوم و آموزش عالی - نماینده مجلس - یکی از نویسندگان اصلی پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) - مهدی بازرگان (نخست وزیر سابق حکومت موقت که بخاطر بریل شدن مذکرات حرمانا ش با مشاور امنیت گارت مقام صدر انقلابی را از دست داد - نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی و رهبر نهضت آزاد ایران) - وزیر امور و بالاخره دکتر عباس شهبانی (وزیر کشاورزی) - همه بخاطر دارند که این حضرات عضو شورای انقلاب از معص تا ملامتگی از برگردگان ”رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران“ هستند - در نتیجه می بینیم که سرمایه داران - ریاست جمهوری - شورای انقلاب - هیات دولت - قوه قضاییه - رئیس و سزبان سرشناس مجلس شورای اسلامی - رهبران احزاب طبقاتی - شعرا و گردانندگان روزنامه های کثیر - الا انتشار هیات حاکم تنگتنگ یکدیگر در پشت لایحه لغو سود ویژه به ردیفی ایستاده‌اند -

در همین حال بحثی انتشار این مصوبه شورای انقلاب موج گسشده‌ای از اعتراضات و مخالفت های جامع کارگری - سند بگاها - شوراها و قانون های شورای کارگران بر علیه آن حرکت درآید - مثلاً سند بگاها های کارگران صنعت چاپ تهران و حویه - انجمن اسلامی کارگران بانفسده سوزنی - کانون فرهنگس اسلامی تراکتور سازی تبریز - شورا های اسلامی کارخانه و شورای کارخانه های ایران نشست - گفشی بین و کاشی سعدی - کانون ها همگی شورا های اسلامی کارگران - سند بگای کارگران خطوط لوله و مخاسرات نفت ری و کارگران موسسه اطلاعات طسی اطلاعاتی هاین به این لایحه اعتراض کرده اند و خواستار لغو فوری آن شده -

لغو سود ویژه

ویژه را با حساب سازی های خود پائین تر از واقعیت نشان می داد. در این رابطه با مقدار هزینه های پرداختی با سود مواد اولیه، انرژی و ابزار کار را به سود بالا نشان می داد و با استهلاك سرمایه ثابت (ماشین آلات و ساختمان) را بیش از واقع منظور می نمود. با سهم آن بخش از سود را که صرف سرمایه گذاری جدید و گسترش تولید می شد زیاد تر از واقعیت محاسبه می نمود. و با البته ترکیبی از همه این شیوه ها - البته سواي این - دزد های پنهان، قوانین "آریامهسری" کلاه برداری های آشکار را نیز در نظر گرفته بود. با این ترتیب که مباحثی از ۲۰ درصد سود ویژه، ۱۰ درصد به عنوان مالیات مستقیم کسر می شد تا در سرمایه شرکت های تعاونی صرف کارگران و پس گردید. بنابراین در بهترین شرایط بجای ۲۰ درصد حد اکثر ۱۸ درصد از سود ویژه بین کارگران تقسیم می گردید.

تا آنجا که اجرای قانون سپیم کردن کارگران در صنایع کارخانجات به روش های متفاوت اجرا می گردید که عبارت بودند از: تبدیل ضایعات، بهبود کیفیت تولید، افزایش تولیدات و سود خالص کارگران. این سیاست باعث ایجاد رقابت و حثی نفعی در بین کارگران می شد و جلو انحصار و همبستگی آنها را می گرفت و از این طریق تسلط کارخانه داران را بر روی کارگران تحکیم می کرد. بهر حال کارگران بخشی از دستمزده خود را بعنوان سود ویژه در آخر هر سال دریافت می کردند و از نظر آنان سود ویژه حکم "کاجی بیشتر از هیچی" را داشت.

تا اینکه ۱۶ سال بعد از تصویب این قانون - کارگران و زحمتکشان رژیم شاه را با نظاهرات - با اعتراضات و به زیر قیام خونین خود سرنگون کردند تا قانون "ایران و مجریان چنین قوانینی را نباید گردانند. اما بخاطر نبود رهبری انقلابی و مشکل نبودن کارگران، دار و دسته چندید سرمایه دار و مدافع سرمایه دار قدرت دولتی را بدست گرفتند. و این هیات حاکم تازه به دوران رسیده که خود را "پاقت" هم می نامند قریب ۱۶ ماه پس از قیام بهمن مساه و سرنگونی سلطنت، در حالی که از ارتجاعی ترین قوانین کار رژیم شاه نظیر مساه ۲۳ قانون کار یا جنگ و دندان حمایت می نماید. طی تصویب نامعای قانون سود ویژه "انقلاب سفید" را در پرتو انقلاب اسلامی، ملغی اعلام کرد تا بدین ترتیب "کاجی بیشتر از هیچی" دوران "طاقت" را به "هیچی بیشتر از کاجی" عصر "پاقت" تبدیل گرداند.

اما لغو سود ویژه در چه شرایطی صورت گرفته است؟ اگر کارگران در سال ۱۳۴۱ و بعد از آن بخاطر وجود ارتجاع پلیسی شاه قادر به استقرار کنترل کارگری در تولید و دخالت و نظارت در امر دخل و خرج کارخانجات نبودند و لذا نمی توانستند از مقدار سود ویژه واقعی کارخانه با اطلاع شوند، انقلاب عظیم کنونی بشکرا نقیام بهمن ماه این امکان را به کارگران داده است تا سرمایه داران خود را در کارخانجات پایه - گذاری کنند و در شرایط ناتوانی دستگاه اختیاری دولتی و ضعف مدعیان سرمایه داری مبادرت به کنترل در امر تولید و توزیع نمایند. و این ترتیب امکان کلام برداری ها و دزدی ها و دقت سر حساب سازی های فلابی را بسرای کارفرمایان بشدت مشکل تر نماید. اکنون در آخر هر سال کارگران هر کارخانه از شورای منتخب خود حساب دقیق دخل و خرج و میزان واقعی سود ویژه را طلب خواهند کرد و شوراها نیز تحت فشار کارگران مجبور به مبادرت به اقدامات انقلابی و مشهورانه در امر کنترل حساب های مالی واحد های تولیدی خواهند بود. اما این عمل شست سرمایه داران را باز خواهد کرد و اجحافات و دزدی های بی حد و حصر آنان را که طی ۱۶ سال قبل از قیام صورت گرفته است بیش چشم کارگران بر ملا خواهد کرد. در این گیروار دولت جمهوری اسلامی با لغو قانون سود ویژه سراسیمه به گسستن سرمایه داران شافته است تا از هیجان شدن ستگری آنان نزد کارگران جلوگیری بعمل آورد. مثلا یکی از همین سرمایه داران زمان شاه مخلوع شخصی شخصی وزیر کار و امور کار اجتماعی است. آیا او در کارخانه آیتیموس ۲۰ درصد سهم کارگران در سود ویژه را برداشته است؟ از این جهت سیاست دولت کنونی در نیاله منطقی سیاست شاه است و ما نه با "طاقت زدایی" که بسا "طاقت گزایی" هیات حاکم رویو هستیم!

هیات حاکم برای توجه اقدامات ضد کارگری خود ادعا می کند که "بین ۸۰ تا ۹۰ درصد صنایع متعلق به دولت است و اکثریت کارخانه ها و کارگاه های موجود "سود بد" نیستند و از بودجه دولت هزینه های خود را تأمین می کنند" و بهمین خاطر "دستمزده و مزایای کارگران نیز باید از بودجه دولت تأمین شود". بنابراین از نظر آنان حذف سود ویژه به نفع دولت "جامی مستضعفین" است و هم از آن طریق به نفع کسلی "مستضعفین" حزب جمهوری اسلامی نیز بخاطر ماهیت ضد انقلابی خود به جهت آنکه خود یکی از جناح های اساسی هیات حاکم را تشکیل می دهد به دفاع از این عقیده برخاسته است. منافقانه کاین همه هاگش شورا های اسلامی کارگران و حثی "جنبش کارگران مسلمان" در دام این منطق هیات حاکم محصور شده اند. بهمین خاطر با حذف سود ویژه در صنایع بخش دولتی بطور ضمنی موافقت کرده اند در حالی که کارگران آگاه طی تجارب زنده در یافتنند که کارگران نمی توانند و نباید به ادعاهای گفته های دولت مدافع سرمایه داران اعتماد کنند. این که آیا این بخش از صنایع دستخوش سود دهی هستند و یا متحمل ضرر و زیان می شوند توسط شورا های منتخب و مستقل کارگران روشن گردد. بنابراین با پیشی تمام دفاتر دخل و خرج باز و کلیه اسرار معاملاتی این کارخانجات در برابر چشم کارگران میان شوند. از طرف دیگر اگر این صنایع متضمن "ضرر" بود مانند: غلت آن صرفا بخاطر سیاست های اقتصادی است که توسط وزارت صنایع برای رفع تورم، مخالفت و مبارزه با قانون لغو سود ویژه به تنهایی کافی نیست. بنابراین کارگران با پیشی اولای علی رفسنج

بخش دولتی را از کار بیگار می نماید. با حمله به حجاب اجباری و با تحمیل حجاب اجباری راه را برای بیرون راندن زنان از کارخانجات و ادارات هموار می گرداند. مالیات های مستقیم و غیر مستقیم را افزایش می دهد. از افزایش دستمزدها جلوگیری بعمل می آورد و "مزایای" کارگران را یکی پس از دیگری از دست آنان در می آورد. در همین مورد آخری در بعضی از کارخانجات نظیر گروه ملی صنعتی فولاد اسپران - اهواز حتی فی را قطع کرد و کتک هزینه مسکن کارکنان صنعت نفت، رادیسو و تلویزیون، سازمان برنامه و بودجه و هیات علمی دانشگاه ها را رسمی می کند تا بعد نازلی تقلیل دهد و امروز نیز سراج حق السبیم کارگران در "سود بد" ویژه آمده است و فردا نیز بطور اجتناب ناپذیری به دیگر بخش های حقوق کارگسوران دستبرد خواهد زد.

هیات حاکم طرفدار "فقط و عمدتاً اسلامی" حاضر نیست برای رفع کسری بودجه خود از مخارج عظیم نظامی بگذرد و بهمین خاطر ۲۸ میلیارد ریال طرفه ماه های فوریوین و ارد بهیشت اسال به جیب امپریالیست ها می ریزد تا ابزار و ادوات جنگ خود را علییه زحمتکشان خلق کرد. ترکمن - مسرب و بلوچ و کارگران سراسر ایران فراهم نماید. حاضر نیست بجای کم کسری در دستمزدها و بیم کارگران، بد هسی چند میلیارد ریالی ایران به بانک ها، کشورهای امپریالیستی را بطور یک جانبه ملغی نماید. حاضر نیست سود ویژه سرمایه داران را لغو کند و مالیات های سنگینی بر درآمد های کلان آنان ببندد و مایل نیست سرما به های بزرگ را تحت کنترل کارگران و بدین برداخت غرامت مصادره و ملی نماید.

لغو سود ویژه و مسئله تورم

شاید در هیچ موقعی از تاریخ ایران تورم و گرانی تا این حد افزایش نیافته است. سیر صعودی و سرسام آور قیمت ها همراه با ثابت ماندن دستمزدها، قوه خرید کارگران را بطور فاجعسی کاهش داده است. لغو ۲۰ درصد سهم میلیون ها کارگر و افزودن آن به ۸۰ درصد سهم چند صد سرمایه دار، قوه خرید توده های کارگر را باز هم تقلیل داده است. و همراه با آن مسئله گرانی را هر چه برجستتر و ابعاد وحشتناک آن را هر چه چه روشن تر مطرح نموده است. اما برای رفع تورم، مخالفت و مبارزه با قانون لغو سود ویژه به تنهایی کافی نیست. بنابراین کارگران با پیشی اولای علی رفسنج

توجه حزب جمهوری اسلامی میسر می شود. "گان لم یکن" یعنی معلق و مسکوت نگه داشتن (تلقی کردن) لایحه دولت مصر لغو قوی آنرا خواستار شوند. ثانیا در برابر سیاست های ضد کارگری دولت مبنی بر کاهش و یا حذف هر گسده ام از ارقام "مزایا" "سود بد" مقاومت نمایند. ثالثا در برابر تقلید کنونی "مزایا" از "دستمزدها" خواستار ادغام مزایا در "طرح شکار" تثبیت قیمت ها "آگسه توسط سازمان چریک های فدایی خلق مطرح شده" افزایش دستمزدها متناسب با افزایش قیمت ها را طلب نمایند.

سود ویژه و صنایع بخش دولتی

هیات حاکم برای توجه اقدامات ضد کارگری خود ادعا می کند که "بین ۸۰ تا ۹۰ درصد صنایع متعلق به دولت است و اکثریت کارخانه ها و کارگاه های موجود "سود بد" نیستند و از بودجه دولت هزینه های خود را تأمین می کنند" و بهمین خاطر "دستمزده و مزایای کارگران نیز باید از بودجه دولت تأمین شود". بنابراین از نظر آنان حذف سود ویژه به نفع دولت "جامی مستضعفین" است و هم از آن طریق به نفع کسلی "مستضعفین" حزب جمهوری اسلامی نیز بخاطر ماهیت ضد انقلابی خود به جهت آنکه خود یکی از جناح های اساسی هیات حاکم را تشکیل می دهد به دفاع از این عقیده برخاسته است. منافقانه کاین همه هاگش شورا های اسلامی کارگران و حثی "جنبش کارگران مسلمان" در دام این منطق هیات حاکم محصور شده اند. بهمین خاطر با حذف سود ویژه در صنایع بخش دولتی بطور ضمنی موافقت کرده اند در حالی که کارگران آگاه طی تجارب زنده در یافتنند که کارگران نمی توانند و نباید به ادعاهای گفته های دولت مدافع سرمایه داران اعتماد کنند. این که آیا این بخش از صنایع دستخوش سود دهی هستند و یا متحمل ضرر و زیان می شوند توسط شورا های منتخب و مستقل کارگران روشن گردد. بنابراین با پیشی تمام دفاتر دخل و خرج باز و کلیه اسرار معاملاتی این کارخانجات در برابر چشم کارگران میان شوند. از طرف دیگر اگر این صنایع متضمن "ضرر" بود مانند: غلت آن صرفا بخاطر سیاست های اقتصادی است که توسط وزارت صنایع برای رفع تورم، مخالفت و مبارزه با قانون لغو سود ویژه به تنهایی کافی نیست. بنابراین کارگران با پیشی اولای علی رفسنج

پیش بسوی اتحاد شوراهای کارگری و استقرار کنترل کارگری بر تولید!

تشکیل جبهه مقاومت

حسین الیسی

ضرورت مبرم جنبش ملی خلق کرد

منافع فرنگرآباد و سیاست سازش کارانه جز به شکست منجر نمی‌گردد . پس چه باید کرد تا بتوان مبارزه را به مجرای واقعاً صحیح و انقلاب هدایت نمود و از برخورد هائیکه مبارزه را منحرف کرده و نهایتاً به شکست می‌کشاند جلوگیری کرد ؟

ایجاد جبهه متحد مقاومت علیه نیروهای اشغالگر دولت تنها راه حل صحیح و صریح این ساله است . نیروهای مقاومت خلق کرد باید در یک جبهه متحد مقاومت علیه اشغالگر دست به مقاومت هماهنگ بزنند . ضرورت نسوری و توتی جنبش ملی خلق کرد ایجاد می‌کند که این جبهه مقاومت هر چه زودتر ساخته شود و این جبهه مقاومت از طریق اتحاد در عمل پیشروان خلق کرد ساخته می‌شود و شرط آن توافق برنامه‌ای بین سازمان‌های رهبری کننده آنان نیست . اید و هرگز! سازمان‌های سیاسی می‌توانند در یک مقطع خاص و مشخص با هم دست به عمل متحد و هماهنگ بزنند بدون اینکه برنامه طبقاتی یکسان داشته باشند . بواقع آست که سازمان‌های زحمتکشان انقلابی کردستان (کوه لسه) برنامه‌های کاملاً متفاوت از برنامه حزب دمکرات کردستان ایران دارد . در حالیکه حزب دمکرات از منافع زمینداران دفاع می‌کند . کوهله از منافع دهقان فقیرتر پیشانی می‌یابد و رفیع ستم ملی و ستم طبقاتی را یکسان می‌داند . معضله این تضاد طبقاتی در ماهیت دو سازمان نمی‌تواند مانع اتحاد در عمل پیشروان خلق کرد علیه اشغالگران باشد . پیشروان مبارز حزب دمکرات علیرغم رهبری خود ضرورت این اتحاد را درک می‌کنند .

خواهان تشکیل چنین جبهه‌ای هستند . در چنین جبهه مقاومتی سازمان‌های سیاسی هویت سیاسی و سازمانی خود را حفظ می‌کنند و آمادماند تا در مناسب ترین لحظه برای تحقق در برنامه خود قاطعانه مبارزه بکنند . این حقیقت است که نباید فراموش شود .

اکنون که نیروهای ارتش و پاسداران شهرها و روستاها را اشغال کرده‌اند باید سازمان‌های سیاسی موافق اخراج فوری ارتش و پاسداران از کردستان دست به عمل مشترک علیه نیروهای اشغالگر بزنند .

اما هماهنگ نبودن اعمال نظامی از طریق ستاد هماهنگی عملیات نظامی ،

میرود و هیات حاکم می‌خواهد از کردستان دومین فلسطین را بسازد . در این شرایط حزب دمکرات کردستان ، پیشروان قهرمان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کوهله) را دستگیر کرده و در دفاع از مالکین ضد انقلابی آنها را به گورگان می‌گیرند . در چنین شرایطی حزب دمکرات در دفاع از ملاکین و فئودال‌های ضد انقلابی در مقابل دهقانان فقیر انقلابی ، پیشروان قهرمان خود را مجبور می‌نماید تا به روی دهقانان و پیشروان کوهله اسلحه بکشند . این اعمال را چه کسی تأیید می‌کند ؟ این اعمال در جهت منافع خلق کرد نیست . در حالی که پیشروان قهرمان باید دست در دست و دوش به دوش بکند بگر علیه پاسداران و ارتش که کردستان را اشغال کرده و به خون کشیده‌اند . مبارزه کنند و هر گولعلی را بر قلب دشمن مشترک و اشغالگر بنشانند . در مقابل هم تفرقه داند پیشروان سازمان‌های سیاسی خنات به انقلاب کردستان و مناقصه فوری و تاریخی خلق کرد است .

این وضع نباید و نمی‌تواند ادامه یابد . خلق کرد که تجربه کرده است اتحاد در عمل سازمان‌های سیاسی و پیشروان قهرمان علیه نیروهای اشغالگر تنها راه موفقیت است . اجازه نخواهد داد تا یک سازمان یا حزب ، پیشروان سازمان دیگر را بگردد بگیرد یا به روی آنها اسلحه بکشد . تجربه سال گذشته با آگاهی توده‌ها عین شده است . آنها تجربه کرده‌اند که در عمل در مقابل اشغالگر تنها به برکت اتحاد در عمل نیروهای سیاسی و مبارزه تاریخی توده‌های وسیع خلق کرد دست آید . آنان بیوزی این اتحاد در عمل را بطوری با شکوه جشن گرفتند . آنان می‌خواهند که دوباره بیوزی بیسوزین راندن ارتش و پاسداران که بسواد ران خواهند بود ، بدان‌ها در دستانشان را قتل عام و آواره و کججه نسود و سرزمینشان را اشغال کرده‌اند . جشن بگیرند . آنها مصممند تا بیوزی انقلاب بدست گرفتن سرنوشت خود را جشن بگیرند . آنها اصالی مانند گروگانگیری و در مقابل هم قرار دادن پیشروان قهرمان را محکوم می‌کنند . سرکوب دمکراسی در مناطقی که هنوز تحت اشغال در نیامده را تفریح و شادی سرزین می‌کنند . این اعمال بطور روشن موجب تضعیف جنبش شده و نهایتاً آزارشکست می‌کشاند .

خونین برداخت و ارتش و سپاه پاسداران مزدور و دوازه سازبان داد . ارتجاع هرگز نمی‌تواند جشن توده‌های ستم‌دیده را تحمل کند . زیرا که جشن توده‌ها ناقوس مرگ ضد انقلاب را به صدا در می‌آورد .

موج دوح تهاجم گسترده ارتش و پاسداران دولت مرکزی برای کشتار خلق کرد در اواخر فوریه بین ۵۱ آغاز شد . دولت این بار کوشید از تمام تجارب ضد انقلابی جهان سود جوید و کشتار دسته جمعی ، محاصره اقتصادی و حملات سیاسی را به مقیاس عظیم تری راهی اعمال کرده و به کار ببنده . هیات حاکم به این ترتیب می‌خواهد از طریق تسو فشار اقتصادی شده و سرکوب و رختخانه و محاصره شهرها و روستاها ایجاد شده بدترین نوع خفقان پیشروان کرد را منوری نموده و توده‌ها را ، خصوصاً دهقانان را از مبارزه فوری آن کسود و جنبش را از پای در بیاورد .

اما تاکنون پس از چهار ماهه کوشش ، ایش با شکست روبرو شده است . انقلاب کردستان زنده است و پیشروان مسلح از حمایت بی‌دریغ توده‌های دهقانی و شهری برخوردارند . دهقانان علی‌رغم شدت ترین سرکوب‌های اقتصادی ، سیاسی و خصمنا نظامی ، به عنوان مستحکم ترین و مطمئن ترین قاطع ترین نیروی جنبش مقاومت به مبارزه ادامه می‌دهند . دولت در اجرای اسلحه برنامه‌هایش با شکست روبرو شده است . لیکن تا شکست قطعی راه درازی است . ارتش و سپاه پاسداران اکثر شهرها و روستاهای کردستان را در اشغال خود دارند . اگرچه هر روز ضیافت می‌بگسی از پیشروان مسلح می‌خورند . اما هنوز آنجا هستند . قتل عام و کشتار می‌کنند و شدت ترین نوع سرکوب ، خفقان و تضییقات را بر توده‌های ستم‌دیده اعمال می‌نمایند . آنان به عنوان اشغالگر کردستان را اشغال کرده‌اند . این وضع نباید و نمی‌تواند ادامه یابد .

در چنین شرایطی که خلق کرد در کوی و برزن ، در کوه و غیابان ، در شهر و روستا علیه اشغالگران می‌جنگد و کشته می‌شود . در شرایطی که هیات حاکم از تمام امکانات خود جهت خود کسودن مقاومت خلق کرد استفاده می‌کند . در شرایطی که دهقانان و پیشروان مسلح بار سنگین مبارزه را به دوش می‌کشند . در شرایطی که سر نیزه پاسداران به قلب سازین توده‌های ستم‌دیده فسیرو

انقلاب کردستان زنده است . توده‌های ستم‌دیده خلق کسود . افسانه وار برای حقوق حقانی و تاریخی خویش می‌جنگند و در روستا و در شهر به نبرد حماسه آمیز خویش ادامه می‌دهند . خلقی که تاریخاً قرن‌ها ستم و استعمار ، ظلم و حقارت را تجربه کرده است . اکسین در زیر بمباران‌ها و دد منشی‌های ارتش و سپاه پاسداران ، استاده می‌جنگند و بیوزی خوین انقلاب را در کشتار نشود با ضد انقلاب برافراشته نگه داشته است . پیشروان قهرمان کرد در پیشانی توده‌های بیوزی انقلاب کردستان را در دست‌های قدرتمند خود ، استوار حفظ کرده‌اند . بندگان بنشان داده‌اند که تنها دست‌های بیوزان زحمتکشان قادر است مبارزه را قاطعانه به پیش برده و انقلاب را به بیوزی برساند .

اولین موج گسترده سرکوب انقلاب در کردستان تنها به لیل نیوزی زمینده و برگران توده‌ها و پیشروان مسلح کرد با شکست مفتضحانه روبرو گردید . گسترده ترین سیخ‌های ضد انقلابی و سرکوب و کشتار ، دد منشا به شکست مواجهه شد و ارتش و پاسداران از شهرها و روستاها اخراج شدند . روز بیوزی توده‌های پیشروان مسلح در شهرها و روستاهای کردستان در سال گذشته نمونه نشانه عظمت نیوزی متحد زحمتکشان و جشن پاکشوه بیوزی توده‌های ستم‌دیده کرد بود . خلق قهرمان کرد و پیشروان مسلح دلور به ضد انقلاب نشان دادند که نیوزی متحد زحمتکشان مسلح شکست نباید ببرد .

زحمتکشان آن بیوزی را هیچگاه فراموش نمی‌کنند . خلق دلیر کرد جشن پاکشوه سال گذشته را هیچگاه و هرگز فراموش نخواهد کرد . چرا که این اولین جشن واقعی خلق کرد پس از سال‌ها ستم و استعمار بود . آنان به سرنوشت خویش حاکم شدند . این بیوزی که به قیمت خون مدها و صد‌ها پیشمرگه قهرمان و دلوری‌های توده‌های ستم‌دیده کرد بدست آمده بود . هرگز از خاطره زحمتکشان محو نخواهد شد . خلق کرد می‌خواهد این جشن را تکرار کند . به این دلیل امروز نیز چنین قهرمانانه علیه ضد انقلاب می‌جنگد . ضد انقلاب پس از شکست مفتضحانه به بازسازی نیروهای شکست خورده

غیرقانونی کردن چه باید کرد خود عملی است غیرقانونی

رژیم "حامی مستضعفین" قوانین ضد کارگری طاعوتی را ابفنامیکند

بهت هن و مرغ های خاص از بازاری پس واضح است در پشت این مرغ و مرغ سیاست آگاهانه نبسته است که کارفرمایان میتوانند بدون پرداخت حق بیمه شان مفاصا حساب بگیرند !! شرایط مشابهی در اکثر حوزه های دریافت مالیات نیز ایجاد شده است و مسؤولین امر بیشرمانه جشنان خود را بر واقعیت این اوضاع نفرت انگیز می بندند و برای جبران کسر بودجه به اخراج کارکنان و کم کردن حقوق و مزایای آنها دست میزنند

و این ها فقط منشی است. نمونه خوراک از دولت سرمایه دار و ضد کارگر کنونی بیش از این نیز میتوان انتظار داشت. قوانین منفرقی کار فقط نمیتواند محصول مبارزات خود کارگران باشند و اکنون وقت آن فرا رسیده که کارگران مسئله قوانین کار را جدی بگیرند و در مجامع، کمی شوراها را کارگر خواست های خود را در مورد قوانین کار مطرح کنند و سازمانهای دیگری را برای کرسی نشاندن خواست های خود در مورد قوانین کار آغاز کنند. کارگران نباید تدرین و تصویب قانون کار شد کارگری در پشت سر کارگران. توسط مراجع ضد کارگری و راسته به طبقه سرمایه دارایی پاسخ بگذازند. مثبت گردیده کارگران باید ثابت کنند که در مقابل اراده و وحشت آهنین طبقه کارگر طرح های ضد کارگری همچون طرح قانون کار و قانون تأمین اجتماعی جدید به وزارت کار و پارهایش پیش نیستند که باید همراه با تدوین کنندگان و تصویب کنندگان آنها به زیاده دان تاریخ ریخته شوند

که بقول خود حضرات حاکم بیوزکرایی طاعوتی و ضد انقلابی را تشکیل میدهند. کارفرمایان سه درصد دولت موظفند طبقه کنید. حداقل سابقه کار برای بازنشستگی کارمندان دولت ۳۰ سال تمام است کبر اساس مصوبات شورای انقلاب مانند گذشته مشمول ۱۰ سال بخشودگی نیز نگیرد. به عبارت دیگر کارمندان عالیترتبه که بقول آقای منتظری بیگار نشسته اند و حقوق های گفیلان میگیرند میتوانند بعد از ۲۰ سال تمام حقوق و مزایا باز نشسته شوند ولس کارگران باید ۲۵ سال تمام کار طاقست فرمایند. حالا از این مسئله بگذریم که شکایات رسیده از بسیاری از کارگاهها نشان میدهد که کارفرمایان از باز نشسته کردن کارگران با بیش از ۲۰ سال سابقه کار هم خود داری میکنند.

نمونه دیگری از ابقا قوانین ضد کارگری رژیم استبدادی مربوط به پرداخت حق بیمه توسط کارگران است. در دوران محمد رضا شاه حق بیمه کارگران ۲۱۸ کل حقوق شان بود که ۲۵ آن از حقوق کارگران کسر میگردد و ۲۱۳ باقی را کارفرمای موظف میگردد بپردازد. در اواخر سلطنت پهلوی تحت فشار کارگران و بعثت بالا رفتن هزینه پرداخت بیمه باز نشستگی و غیره، حق بیمه به ۲۸ افزایش یافت که سهم کارگران ۲۷ حقوق شان بود و بقیه

بالاخره بعد از بیش از بیست سال مبارزه و فشار طبقه کارگر ایران برای تدوین و تصویب قانون کار عادلانه با شرکت خود کارگران، خبر رسید که قانون کار جدید تدوین و برای بررسی نهایی به کمیسیون های وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی ارجاع شده است.

اولین نکته که در باره این طرح قانون کار مطرح است اینست که این طرح بر خلاف تقاضای مگسبر کارگران، پشت سر طبقه کارگر و بدون مشارکت آنان توسط وزارت معلوم الحاصل و ضد کارگری تدوین شده است. همان وزارت خانهای کارفرمایان که اخیراً بخشی از حقوق کارگران را تحت عنوان از بین بردن قانون طاعوتی سود ویژه قطع کرده است هنگامیکه مسئله قطع سود ویژه کارگران در جریان کشور مطرح شد ما گفتیم که این حمله آخرین حمله به حقوق کارگران نخواهد بود و بعثت اوضاع بحرانی و ویرانگانه سرمایه داری ایران حلات به حقوق کارگران نشسته خواهد شد. قانون کار جدید حمله جدیدی است به حقوق کارگران.

هنوز متن کامل قانون کار جدید انتشار نیافته است ولی از آنچه تاکنون در باره آن جباب رسیده مسلم است که ضد کارگری ترین و ظالمانه ترین قوانین دوران سلطنت پهلوی در آن ابقا شده اند و اگر از قانون کار گذشته ارتجاعی تر نباشد منفرقی تر نیست. مثلاً در مورد باز نشستگی قوانین جدید همانند قوانین سابق تصریح میکنند که حد اقل سابقه کارگران برای باز نشستگی ۲۵ سال تمام است. این قانون را با مصوبات جدید دولت در مورد کارمندان عالیترتبه

برنامه

انقلابی برنامه درگونی بنیادی کلیه روابط و شرایط موجود را مطرح میکنند. برنامه انقلابی دیگر را انقلابی دیگر که این مجموع متعفن که هم اکنون قدرت سیاسی را قبضه کرده و مملکت را از صیبهی به صیبهی دیگر میکشاند بدور بریزد و حکومتی واقعاً انقلابی را که مسؤول و منکر بر زمینگشان باشد، بوجود آورد. زمینگشان نمیتوانند برای حل مسائل خود چشم امید به حکومت کنونی داشته باشند. آنها باید برای حل مشکلات خود و تحقق خواست های خود بر علیه این دولت مبارزه کنند. مبارزات خود را با وجود آبرودار و هماتطور که پس از تمام بهمین ماه کنترل کارخانه ها در دست گرفتند، کنترل همه امور را بدست بگیرند. تنها آن حکومتی قادر به حل (و حل واقعی) مسائل و بحران های موجود خواهد بود که منتخب شوراها زمینگشان و منکر بر شوراها زمینگشان باشد. تنها حکومت کارگران و دهقانان قادر به حل مسائل است

سود ویژه و صنایع بخش خصوصی

اگر حذف سود ویژه در صنایع ملی شده به نفع دولت سرمایه داران است، در رابطه با صنایع بخش خصوصی ایران عمل در خدمت مستقیم خود سرمایه داران قرار دارد. میگویند "ببخشید دست بینه بسته کارگران را میبوسد" ولسی اضافه کرده بودند "تا باین ترتیب ولسی قبه امر ۱۰ درصد حق السهم کارگران در سود ویژه را از درون همان دستهای بینه بسته بر باند" و به جیب گشاد سرمایه داران "مین، متعبد و مسلمان" جمهوری اسلامی ایران سرازیر نمائید تا با این کار ۸۰ درصد سهم سرمایه داران متعبد به خط امام به حد درصد ایتقا" باشد. کارگران بجای لغو ۲۰ درصد سود ویژه خود خواستار لغو ۸۰ درصد سود ویژه سرمایه داران شده اند. شعار ملی شدن این بخش از صنایع را

تغییر سواد ویژه

ایجاد اتحاد سراسری شوراها را کارگری کارخانجات این وزارت خانه را جهت کنترل مستقیم خود قرار دهند. مسئولیت کسب و یا فقدان مواد اولیه و لوازم کسب بعهده مدیریت متعبد دولت و وزارت صنایع و معادن است. این ها بسا انواع و اقسام شیوه ها در امر امانداری واحد های تولیدی کارکنی گردانند و از طرق مختلف از قرار دادن امکانات مالی و تکنیکی در اختیار این صنایع خود داری نمودند تا باین ترتیب کسب مقاومت کارگران را خرید کنند و تأثیرات مغرب تحیم اقتصادی امپریالیزم جهانی را از نقطه کور راه از خود به داخل کارخانجات راه دهند. هیات حاکم سعی میکند با رگسوزان بحران و ویرانگشتی سیاست های خود را بدوش کارگران منتقل کند. بنابراین چنین کارگران مسلمان در نشسته بازاری انقلاب شماره ۲۱ اشتباه میکند که حمله هیات حاکم در این بخش از صنایع را بطور تلویحی مجاز می داند.



سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

تظلم از بیری بنانه

مقدمه:

همه جا صحبت از ارتجاع است . تمام دست آورد های قیام بهمن مسأله یکی پس از دیگری دستخوش حملات فرار می گردند . آزادی های دست آمده از جنبش ضد استبدادی سرکوب می شوند . جای طبقات حاکم پیشین را طبقات حاکم جدیدی که به همان اندازه مظلوم و وحشی هستند بر می کنند . نیروهای حاکم یا جماعت اسلام هرگونه عدای مخرقی را در گلو خفه می سازند . سرمایه داران آدمکش مسلمان تمام عیار می شوند و زحمتکشان و مستعدبندگان که به قیمت هزاران هزار کشته قیام کردند کافر قلع و عمارت می گردند . این همه علامت حرکت ارتجاعند . اما با وجود این مرتجعین فریاد می زنند کدام ارتجاع ؟ (لا از است که هر چه بیشتر ارتجاع را بشناسیم و به همه مردم ستندیده و زحمتکش بشناسانیم از اینو در این بخش نشیبه ما در هر شماره به معرفی نمونه هایی از افراد ، سازمان ها و احزاب ارتجاعی خواهیم پرداخت .

نست . چنین فعالیت هایی عبارتند از مثلا سازمان دادن شبکه های اطلاعاتی ، و ضد اطلاعاتی ، تربیت و سازمان دادن جماعتی داران ، گروه های فریبی مخفی و غیره . در اینکه این سازمان در کله نما - لیت های این جنائی شرکت دارد شک نیست . اخیرا آشکار شده است که این حضرات که اینقدر هیاهو میکنند کسب گونیشها و منافقین در لباس مسلمان در صفوف ما رخنه کرده اند (که البته نسبت ناروایی است و مقصود از آن تصفیه و معدوم کردن هر عنصر مستقلی تحت عنوان گونیش است) . بطور سازمان یافته در جهت کسب اطلاعات و شناسائی سازمان های مخالف فعالیت می کرده اند و از جمله بطور مخفی در سازمان چریکهای فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق نفوذ کرده اند . وحشی اطلاعاتی را که از مسائل درونی این سازمانها " کشف " کرده اند در اطلاعیه هایی منتشر میکنند . ولی با وجود اینکه تعیین هویت واقعی این سازمان بعلت ماهیت " مخفی " آن کار ساده ای نیست ولی بقول معروف رنگ رخساره خیر میدهد از سز قفسر . مواضع و نظرات حضرات بیانگر این است که ایشان در مقام دو گانه بازی نظامی حزب معلول الحال جمهوری اسلامی (جنبه نظامی فعالیت شان) و بازی سیاسی سپاه مکتبی پاسداران (جنبه سیاسی ایدئولوژیک آن) بهانجسام وظیفه مشخصی دارند . بخش عمده فعالیت های سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در حال حاضر در سپاه پاسداران و کمیته های امام است . وجهت اصلی فعالیت های خود در این ارگانها را اینطور توصیف میکنند :

" سرپرستان این ارگانها باید با تصفیه مدار آنها و آموزش اخلاقی و اعتقادات اسلامی و همچنین دادن بینش سیاسی و آموزش نظامی به پاسداران پاسدار در کمیته ها و سپاه کوشش کنند این در ارگان را به " سپاه اسلام " تبدیل نمایند . هر نوع مسامحه در این زمینه ها خطرات اساسی برای انقلاب

در بی خواهد داشت
 " برادران پاسدار و ماموران کتبه ها باید با تصفیه قاطع و بیرحمانه وحشی اعدام . . . مانع از گسترش تبلیغات معاندین شوند . " (از بیانیه شماره ۲۴ سازمان ، تاکید از ماست)
 بعبارت دیگر تربیت ایدئولوژیک پاسداران (بر اساس کدام ایدئولوژی بعدا خواهیم دید) و تصفیه همگانه عناصری که آن ایدئولوژی را نمی پذیرند . وحشی اعدام آنها در صورت باقتضای بر نظرات خود . واسم اینرا هم حضرات گذاشته اند ساختن ارتش خلقی بیست میلیون .

ولی قبل از آنکه به " ایدئولوژی " حضرات بپردازیم لازم است متذکر شویم که سازماندهی نظامی سپاه پاسداران و کمیتهها بهیچوجه تنها زمینه فعالیت این سازمان نیست . بلکه ایشان برای خویش رسالت بزرگی در سازماندهی سیاسی و حزبی نیز قائلند . البته بر همان اساسی که در مورد سپاه پاسداران آمد یعنی سازماندهی بر اساس خطوط ایدئولوژیک و تصفیه عناصر ناخالص . در این زمینه خود ایشان میگویند :

" آری آنچه اکنون بعد از گذشت بیش از یکسال از انقلاب ضرورت آن روشن تر از همیشه چشم میخورد . تجعب و تشکل نیروهای است که باید سازماندهی باشند و در راه تحقیق ایدئولوژی او قیام کنند
 " لزیم ایجاد و گسترش یک جعب مکتبی منسجم از رهبران راستین انعام عینی هنگامی ضرورت خویش را هر چه بیشتر نمایان ساخت که دولت جنبه ای و غیر مکتبی بازگان عدم هماهنگی شدیدی و عدم توانائی خویش را در . . . اجزای اصول اسلامی نشان داد
 " تشکل یک دولت غیر مکتبی (و ولومی و مخرقی) نمی تواند در جهت خواسته های ما باشد و این درد رایج هر چه سریعتر در میان نمود و دوا ی آن چیزی نیست جز تشکل شدن هر چه سریعتر معتقدین به خط امام بر اساس وحدت در عقیده و روش در یک تشکلات منسجم تا هم توان تحقق نظام جمهوری اسلامی و بیاده کردن اصول اسلامی را در جامعه داشته باشیم و هم ایدئولوژی اسلامی در میان تشکل جوان مشتاق و تمامی جامعه گسترش یابد " بعبارت دیگر تحقق آن " جمهوری اسلامی " مکتوب مجاهدین انقلاب اسلامی است تعاضد آن بهجای های

میلیونی و سراسری مردم ایران بر علیه استبداد و ارتجاع ساخته بوده و نه از عهده حکومت های منتخب امام که تاکنون به بد آمد مانده . بلکه برای تحقق آن جمهوری لازماست اقلیتی (با در نظر گرفتن مخفی بودن سازمان ناچار باید بیذریع کهدف سازمان بسیج اقلیت کوچکی از مردم است . بسیج اکثریت که در سازمان مخفی ممکن نشود) که واقعا معتقد به خط سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هستند (یعنی معتقد به برداشت ایشان از خط امام هستند) در یک سازمان سیاسی - نظامی (مسلح به اسلحه سرد و گرم) متشکل و متحد شوند تا بتوانند مواضع را از سر راه بر سر دارند . و شرایط ایجاد یک دولت واقعا " مکتبی " را فراهم کنند . تنها بتوانند آنچه را که آن دولت های غیر مکتبی نتوانستند انجام دهند . انجام دهند .

اما آن اقدامات اساسی که بهیچحضرات میبایست انجام میگرفتند و هنوز انجام نگرفته اند چیست ؟ مبارزه با بیگاری ؟ با تئوری ؟ با رکود تولید و اقتصاد ؟ با ظلم و ستم و حقارت و فقر و گرسنگی ناشی از حکومت سرمایه ؟ خیر . ایدئولوژی ایدئولوژی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (ایدئولوژی که بر اساس آن سپاه پاسداران را تصفیه انقلابی میکنند . و میخواهند بر اساس آن بهیچ سیاسی نیروهای مومین به خط امام دست بزنند) حول مسائل کاملا متفاوتی دور میزند .

عصر اصلی سازمان مجاهدین . . . قاطع نبودن دولت ها و همچنین شورای انقلاب است . میگویند :
 " جناح های داخلی . . . ضد انقلاب . . . در قبال انقلاب اسلامی با هم متحد و همراه شده اند . چنانکه مشاهده میکنیم " کوبله ریاست به چین " با " حزب دموکرات وابسته به روسیه " " عزالدین حسینی ساواکی " یا " جبهه ملی فریب " یا " حزب خلق مسلمان آمریکائی " یا " چریک های فدائوسی خلق آثارشیرت " متحد عمل میکنند و ستون پنجم آمریکا نیز سازمان یافته . . . اما متاسفانه جناح خط امام . . . فاعله انجام و تشکل لازم میباشند .

البته از ظم افتادن نام سازمان مجاهدین خلق در اینجا یک تصادف نیست . بلکه نکته ای ظریف و دیپلماتیک است بیانهای که باز گفت بالا از آن بر - داشته شده منجمله برای قرائت در انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا

مقدمه

تنظیم از فرامرز قریب

مجلس شورای به اصطلاح اسلامی تشکیل شد - هیچ يك از نمایندگان مردم ستدیده و زحمتکش یعنی نمایندگان اکثریت عظیم جامعه - ما در این مجلس راه می‌یافتند - این مجلس، مجلس آنان است و نه مجلس ما - اما لازم است که ما مباحثات آن را دنبال کنیم و در قبال سیاست های طبقات دارا که در این مجلس تعیین خواهند شد، سیاست های طبقات موزوم و زحمتکش را روشن سازیم به همین منظور بخشی از نشریه را به مجلس آنان اختصاص می‌دهیم *

مخفی کاری مجلس!

از آن روزی که حجت الاسلام‌ها شیخ رفتنجان رئیس مجلس شورای اسلامی و مالک اراضی وسیع پسته و یکی از زمین‌ها سرگردانان دم کلفت حزب جمهوری اسلامی خطاب به مجلس نشینان فتوا صادر کردند که "قانون ملکداری صرفاً اینست که تا انسان یک چیزی قبیله به مردم بگوید" زیرا به اعتقاد ایشان "همه مردم و همیشه لازم نیست همه چیز را بداند" مخفی کاری مجلس پیش از این بیشتر افزایش یافته است و نمایندگان گوش بفرمان - پیام تاریخی رئیس قریبایشان را با کمال متانت و اخلاص آویزه گوش ساخته و بر تعداد مذکرات خصوصی و پشت پرده مجلس افزودند - در دیزی باز است - حیای گیرگو؟ - این مجلس قلابی و سراپا مسخره اگرچه در این روزهای فشار و بحرانی باعزت خنده و تفریح تماشاچیان تلویزیون می‌شود، اما با این اصال غیر امرلی خود ثابت می‌کند که گذشته از آنکه شان را از انبان تشخیص نمی‌دهد بلکه مانند هیچ قانونی هم نیست و هر زمان که مصلحت سرمایه‌داران ایجاد کند حتی مذبذبات خود را نیز در سطل خاکزوبه خیزاند انداخته - زیرا بر اساس اصل ۶۱ قانون اساسی مجلس موظف است کلیه مذکرات خود را به اطلاع عموم مردم برساند ولی لابد چون آنان نباید همه چیز را بدانند اصل فوق از سوی این مجلس ضحک زیر پا نهاده می‌شود و جای خود را به دیپلماسی مخفی می‌دهد در ادامه این سیاست سرانجام آتی آندر

افشاگران مدنی کیستند؟

از پیروزی قیام‌ناگون بسیاری زیمازیین خلق عرب - چه توسط مدنی و چه قریبان حکام شرع - به اتهام راهی خرابکاری و انفجار در تأسیسات نفوس یا - چه جوخه آتش سیرده شدند و با روانه سپاهینال های نفاق و تارک گشتند تا در شرایط جرحی و ۵۲ درجه گرمای طاقت‌فرسای خوزستان به انتظار حشر - گاهی بنشینند که در میدان تیر هدف رگبار خط آتش جمهوری اسلامی قرار خواهند گرفت - در یک چنین شرایطی که هنوز کشتار انقلابیون عرب همچنان بیداد می‌کند، کیاوش نماینده مدروشن مردم اهواز که تا پیش از این در تشکیلات سرگوب جناب تیمسار زینال در یاد ارد گسر سید احمد مدنی عهد مدار مقام مدیسر کل آموزش و پرورش خوزستان بسود - در جلسه - شششنبه ۱۴ مرداد مجلس شورای اسلامی نوشدار و را بعد از مرگ سهراب می‌آورد و در رد اعتبار نامه رفیق جسره و گریامش می‌فرماید:

"ایشان مدنی عامل اصلی

خندیدن به ریش توده های از جهان گذشتای است که با خون خود راه کساح ستا را برای آقایان اعظام همسوار کرده اند - محطالله مهاجرانی نامتسده شیراز در جلسه شش مجلس در رابطه با انگیزه تعدد مراکز قدرت در عرصه کلام الاغ سواری می‌کند که:

"از همان آغاز دولتنام مرتسب تعدد مراکز قدرت را یادآوری می‌کردند و این درست هم بود - تعدد مراکز قدرت به این معنا وجود داشت که بین خط انقلاب و خط دولت تفاوت بود - و در بیان کلام بین تیغه و دسته چاقو تفاوت بود" این رویه خوان سرمایه‌داره را دامه کشفیات خود همچنان که در ذهن طناب دار جماعت را می‌بافند بدنیسال نسخهای است که با بیچیدن آن دیگر بقید رصفحه ۱۲

وحدت تیغه و دسته چاقو!

مجلس شورای اسلامی محل بحث و اختلاف عناصر سیاسی مابعدی است که بسرای نجات کشی شکستهای بنام سرمایه داری ورشکسته ایران از بیان هرگونه اراجیسف و مینالاش رویگردان نیستند - دروغ می‌گویند - شلوغ می‌کنند - بهم ناسزا می‌گویند از خود شاکی می‌شوند و به خود رای مخالف می‌دهند - برای هم شاخ و شیشه می‌کنند - هادی غفاری وار فاشیست بازی در می‌آورند - قهر می‌کنند - استعفا می‌دهند و هنوز پاشان از مجلس خارج نشده - سرشان باز می‌گردد و استعفا را پس می‌گیرند و در میان اینهمه غیبل و کسال از هر دری سخن می‌رود جز از تقسیر و دماندگی رشد پاینده ای که روز به روز دامنه آن وسیع تر می‌شود و می‌رود تا پشت تیبه ستان را به خاک برسانند - انگار وظیفه اولین مجلس بعد از قیام

آب در خوابگاه مورچگان افتاده!

رشد نیروهای انقلابی مجلس ارتجاعی را به وحشت انداخته است - در جلسه شش مجلس شورای اسلامی (شنبه ۲۵ مرداد) محمد حسینی گرگان دیلویسی های خود را که ناشی از سیاست قرون وسطایی هیئت حاکم در رابطه با مسائل اجتماعی است - چنینس اعزاز می‌دارد: "هفته پیش جلوی دانشگاه بسودم - دو تا دختر گرفته بودند به انبسام اینکه اعلامیه دستشان بود - بیشتر از چند هزار نفر جمعیت جمع شده بودند - انعکاس این برخورد ها بسیار نامطلوب بود - من به شما عرض می‌کنم که رشده گروه های غیر مذهمی درد بیستان ها فوق العاده در حال از یاد است - تعداد بچه های که معتقد به انسام هستند با این برخورد ها روز بروز کم تر می‌شود" آب در خوابگاه مورچگان افتاده است - همچنانکه توده های ستم پند از تردید های سیاسی خود رها می‌شوند و به ماهیت کبریه جمهوری اشکم گندگان می‌برند - دولت مردان جنگ و دندندان خود را بیشتر نشان می‌دهند و بی پروا تر

برای انقلاب خط و نشان می‌کنند - محمد جواد باهنر - کجیل اسم خود را زلفعلی نهاد - در پاسخ به اظهارات نمایندگان گرگان و در رابطه با خواست گزینش معلمان جدید ضمن تاکید بر لزوم اجرای نقشه عقاید در واحد های آموزشی چنین داد سخن می‌دهد: " مسئله انتخاب معلمین یک ضرورت انقلاب ماست و ما در آموزش و پرورش تازه یک دوبرابر سایر وزارتخانه ها پرسنل داریم و ۱۰ میلیون از فرزندان این سلطنت زیر دست پانصد هزار پرسنل این وزارتخانه هستند - بنا براین اصل کم در حدود سی هزار معلم جدید می‌خواهیم انتخاب کنیم - تاگزیریم که این

روزندگان و ضرورت جبهه واحد کارگری

ناهد شادمان

دولت جدید طبقات دارا، دولت جمهوری اسلامی، از پیروزی قیام بهمن ماه تاکنون لحظاتی از سرکوب جنبشش نودهای زحمتکش و ستمدیده فروگذارد نکرده است و لحظاتی از تهاجم به دست آورد های قیام بهمن ماه قائل نبوده است هر زمان که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به سرکوب مستقیم توده ها مشغول نبودند، زمینه های سیاسی یا نظامی سرکوب های بعدی را تسهیل می کردند. زمانی که آنها جبهه های رودر رو مستقیم با توده ها به عوام قیام و عده و عهد می گذراندند، تنها جبهت تعدید قوا و تدارک تهاجمات بعدی بوده است.

رژیم خمینی با شعار "با روسری یا توبری" حکومت خود را آغاز کرد. اشغال راد پر و تلویزیون و برقراری سانسور زمینه را برای حملات هیئت حاکم آماده نمود. در اولین بهار آزادی شهر قهرمان مستندج به خون کشیده شد. سرکوب و حشانه "تظاهرات کارگران بیکار، به گلوه بستن کارگران کاخانه" مینو، خلع سلاح عمومی و انحلال شوراهای مبارزان، تحمیل رفراندموم جمهوری اسلامی، دستگیری مخالفان سیاسی (حاد شهبانی، محمد رضا سعادت، نفی شهرام، اعضای حزب کارگران سوسیالیست در اهواز)، بسراه انداختن دستهای حزب الهی و اوباش، حمله به آزادی مطبوعات، تشکیل مجلس خبرگان بجای مؤسسان "حمله نظامی همه جانبه به کردستان، سرکوب دهقانان ترکمن، کشتار خلق عرب، غیرقانونی نمودن دوباره نشریات کارگری و حمله به چاپخانه ها، حمله به آزادی تبصیح (مجاهدین خلق در امدج)، اشغال دانشگاه و ضرب و شتم دانشجویان مبارز به بهانه "انقلاب فرهنگی"، اعدام های سیاسی (نفی شهرام، دگسر نریمیا)، تروهای دولتی (مختصوم، تواج، ...)، تحمیل حجاب اجباری در ادارات، اشغال دفاتر سیاسی احزاب همراه با عده "قاچاقست سازی، حمله به شوراهای کارگری و دستگیری و ضرب و جرح نمایندگان کارگران و کارنامه ضد انقلابی و چنانگاران" دولتست جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد.

رژیم جدید سرمایه داران، بانکسبه بر حمایت تودمای دروازه استقرار نظم گذشته و بازسازی دولت استبدادی گوشش نمود. روشن شدن سیاست های سردمداران حکومتی برای افشسار وسیعتری از کارگران و زحمتکشان دولت را هر چه بیشتر در جامعه منزوی می کند. رسوایی و بی اعتباری هر چه بیشتر سردمداران حکومتی و سیاست های آنها

هیئت حاکم را برای حفظ حاکمیت خود به ست سیاست های هر چه بیشتر سرکوبگرانه بجای روشهای عوامی مانسبه سوق می دهد. شیوه های سرکوب مستقیم و ترو و ارباب جامعه هر چه بیشتر در دستور روز هیئت حاکم سرمایه دار قرار می گیرد. رسوایی و بی اعتباری هیئت حاکم، آنها را هراتر و وحشی تر می کند. پس از تهاجم به دو سنگر مهم انقلاب کردستان و دانشگاه سردمداران حکومتی سرکوب آخرین و مهمترین سنگر انقلاب شوراهای کارگران و زحمتکشان را تدارک می بینند. تصویب (لا چمه قانونی تشکیل شوراهای کارکنان توسط شورای انقلاب، دستور انحلال شوراهای نفت گران توسط دادسرای انقلاب اسلامی خوزستان، دستگیری نمایندگان شوراهای کارگری و رضا کریمی حماری، تنها نمونه های از حملات "طبقه حاکم به طبقه کارگر است" مبارزه طبقاتی به مرحله حساس رسیده است. تنها مقاومت بکارچه طبقه کارگر در دفاع از شوراهای سازمان های خود ش می تواند حملات هیئت حاکم را به عقب براند.

برای مقابله با حملات روزافزون هیئت حاکم به توده های زحمتکش و سازمان های مبارزان و برای دفاع از شوراهای کارگری، مبارزه "بکارچه" طبقه کارگر ضروری است. طبقه کارگر برای آنکه بتواند از شوراهای خود و دیگر دست آورده های مبارزات خود در برابر تهاجمات سرمایه داران و دولت آنها دفاع کند، باید به وحدت طبقاتی خود دست یابد. علیرغم نظرات عقاید و ایدئولوژی های متفاوت موجود در جنبش کارگری، جنبش کارگری باید مانسبه یک کل منسجم عمل کند. تهاجمات روزافزون هیئت حاکم ضرورت اتحاد عمل نیروهای مکی بر کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش ضروری ساخته است. امروزه تشکیل جبهه واحد مبارزاتی ضرورت خود را بیش از گذشته نشان می دهد.

تنها راه مقابله با تهاجمات هیئت حاکم مبارزه، سازماندهی و بسیج توده ها است. مذاکرات پشت پردسبه با سردمداران حکومتی، سازش طبقاتی، تسلیم طلبی راه بجایی نخواهد بسرد. هر گاه که توده ها قادر به سازماندهی مبارزه و بسیج نیروهای خود بودماند، حملات رژیم را به عقب رانده اند. جنبش تودمای زنان در مقابل تحمیل حجاب اجباری، آیت الله خمینی را بسبرای مدتی به عقب نشینی وادار نمود. بسیج تودمای در برابر حمله بسسبه مطبوعات (گرد هم آیی دانشگاه صنعتی در تاپستان ۵۸) تهاجم هیئت حاکم

را به عقب راند. جنبش مقاومت خلق کرد نیروهای سرکوبگر دولت مرکزی را به زانو در آورد. تجربه مبارزات پس از قیام در عمل نشان داده است که بسیج و سازماندهی مبارزات تودمای تنها راه گسترش و دفاع از انقلاب کارگسران، زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه است. برای بسیج و سازماندهی مبارزات تودمای تشکیل جبهه واحدی از نیروهای مکی بر کارگران و زحمتکشان ضروری است.

عدم درک ضرورت جبهه واحد و تشکیل کارگری توسط نیروهای که هنوز در تحت نفوذ استالینیزم قرار دارند مانعی جدی در راه تشکیل چنین جبهه واحدی ایجاد نموده است. نیروهای مانسبه اکثریت سازمان چریک های فدایی خلق سازش طبقاتی و تسلیم طلبی در برابر دشمنان کارگران و زحمتکشان را بر حفظ اتحاد طبقه کارگر در برابر سرمایه داران دولت آنها ترجیح می دهند. بسیاری از نیروهای موسوم به "خط سه" ازجمله "سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" بارها با اتخاذ مواضعی فرقه گراانه از تشکیل جبهه واحد مبارزاتی و در واقع از شرکت در مبارزه طبقاتی ظفره رفتانند. نمونه مشخص آن موضع گیری سازمان بیکار در برابر تشکیل جبهه واحد مبارزاتی در کردستان بود.

پیروزی های نظامی خلق کرد در برابر حملات دولت مرکزی تنها بسسبه مناسبت وحدت پیشمرگان قهرمانان صحنه مبارزه صورت گرفت. جنبش مقاومت خلق کرد نمونه درخشانی بود از عملکرد جبهه واحد مبارزاتی. تشکیل هیئت نمایندگی خلق کرد دست آورده مبارزات خلق کرد و بیانگر وحدت سیاسی این ملت ستمدیده در برابر دولت مرکزی بود. طرح ۲۶ ماده ای که تشکیل مجلس ملی کردستان مرکزی ترین خواست آن بود وحدت خواست های ملی خلق کرد را به نمایش گذاشت.

اگر اتحاد خلق کرد در برابر حملات هیئت حاکم زمینه ساز پیروزیهای این ملت ستمدیده بود، تلاش شدن جبهه واحد مبارزه در کردستان زمینه های تهاجمات هیئت حاکم را فراهم آورد. سازشکاری و تسلیم طلبی حزب دموکرات کردستان و سازمان چریک های فدایی خلق (اکتیت) از جمله قرار دادن طرح ۶ ماده ای در تقابل با طرح ۲۶ ماده ای، پشتیبانی حزب دموکرات کردستان از دشمنان طبقاتی زحمتکشان کرده، حمایت از زمینه اران بزرگ در برابر دهقانان کرد زمینه شکست نظامی (هر چند موقت) خلق کرد را فراهم کردند.

ضرورت تشکیل جبهه واحد نیروهای کارگری هر روز برای بخش وسیعتری از جنبش کارگری روشن می شود. سازمان رزندگان آزادی طبقه کارگر در مقاله ارگان خود "ضرورت اتحاد عمل" را مطرح کرده است. رزندگان شماره ۱۲/۱۴، ۵۹/۴، درک این مسئله حیاتی مبارزه طبقاتی از جانب رزندگان گامی است به پیش در جهت تشکیل جبهه واحد مبارزاتی نیروهای کارگری.

"... ما ضمن تأکید بر اولویت وحدت جنبش کمونیستی و دعوت همه نیروهای کمونیست به مبارزه ایدئولوژیک در مسیر این وحدت، بر روی اتحاد عمل مشخصی کمونیست ها پای می فشاریم." (نقل از رزندگان، تأکید در امد)

این مسئله باید روشن باشد که صرف ادعای این یا آن نیرو دلیلی بر "کمونیست بودن آنها نیست" آنچه که تعیین کننده است شرکت در مبارزه طبقاتی است. معیارهای ایدئولوژیک نباید به مانعی دروا متحقق اتحاد عملی مشخص در مسیر مبارزه طبقاتی تبدیل شوند. همگونی در جنبش کارگری نیروهای موجودند که علیرغم اعتقادات مذهبی خود فعلا ت در مبارزه طبقاتی شرکت می کنند. قرار دادن سدهای ایدئولوژیک در برابر اتحاد طبقه نه تنها مکی به بیشتر مبارزه طبقاتی نمی کند بلکه خود به مانعی در برابر آن تبدیل می شود.

نکته دیگر آنکه مبارزه ایدئولوژیک از مبارزه طبقاتی جدا نیست. اگر منظور از مبارزه ایدئولوژیک بحث های طولانی و بی حاصل و روشنگرانه نباشد (مبارزه ایدئولوژیک مبارزه برای رهایی طبقه کارگر از توهامت، عقاید و خرافات بورژوازی و خرده بورژوازی است. توهامت، عقاید و خرافات که خود مانعی در راه رهایی طبقه کارگر از بسورغ استثمار سرمایه داری هستند. مبارزه ایدئولوژیک، مبارزه برای کسب آگاهی طبقاتی و وحدت طبقاتی است. مبارزه علیه تفرقه افکنی های دشمن طبقاتی و ایدئولوژی های در دین جنبش کارگری است.

تشکیل جبهه واحد کارگری سه می تواند و نه با مانع برخورد نظرات و عقاید دین جنبش کارگری شود. مانع از طرح انتقادات و ارائه راه حل های مختلف جبهت پیشبرنده مبارزه می شود. بر عکس، تشکیل جبهه واحد کارگری مبارزه ایدئولوژیک را در مجرای واقعی خود قرار می دهد. مبارزه ایدئولوژیک به دور سابل مشخص مبارزه و راه حل های



تشکیل جبهه مقاومت

مقاومت شرکت کند و در راه تشکیل آن بکوشد. بگذر آن نیروی حزبی که از این محل سرپا زنده رسوا بشود. آشکار است که سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) می باید نقش تعیین کننده ای را در این مبارزه ایفا کند و برای تشکیل جبهه متحد مقاومت پیشقدم گردد. عملکرد حزب دمکرات نشان داده است که رهبری تشکیل این جبهه مقاومت نشان نخواهد داد. رهبری این حزب سد راه وحدت پیشمرگان حزب دمکرات و پیشمرگان کومله است. کومله با پیشقدم شدن در امر تشکیل جبهه متحد مقاومت نه تنها از حمایت پیشمرگان مبارز حزب دمکرات برخوردار خواهد شد بلکه حمایت بی دریغ خلق کرد را نیز از آن خود خواهد کرد. آیا رهبری حزب دمکرات خواهد توانست در برابر چنین فشار عظیمی مقاومت کند؟

امسال خلق کرد باید دو باره جشن پیروزی خود را برگزار کند. امسال دوباره باید شهرها و روستاهای کردستان شاهد رژه پیروزیانه پیشمرگان قهرمان باشند. برای تدارک این جشن پرشکوه باید جبهه متحد مقاومت را سازمان داد. برای اخراج نیروهای اشغالگر از کردستان مبارزه کرد.

جبهه متحد مقاومت خلق کرد تشکیل باید گردد!

نیروهای نظامی اشغالگر از کردستان اخراج باید گردند!

بدست بگیرد و به توده های که هنوز به رهبری سازشکار توهم دارند کمک کند تا در تجربه خویش این حقیقت را دریابند توده ها از تجربه خود می آموزند. خلق کرد در تجربه خویش باید بیاموزد که کدام حزب سازشکار و تفرقه انداز است و منافع فرقه نگرانانه خود را مقدم بر منافع تارخس خلق کرد قرار می دهد و کدام سازمان و نیروی انقلابی و قاطع است و برای منافع تارخس خلق کرد بی ایمان می جنگد. سازمان و نیروی انقلابی باید توده ها را در کسب این تجربه کمک کرده و به آنان بیاموزد. این تجربه از طریق مبارزه برای تشکیل جبهه مقاومت بدست می آید.

در این مرحله از نیرو با اشغالگران با تکیه بر اتحاد پیشمرگان مسلح علیه اشغالگران باید ضرورت جبهه مقاومت را توضیح داد و کارشکنی در راه ایجاد آنرا از سوی هر حزب و نیروی افشاگر خلق کرد هیچ گونه کارشکنی را تحمل نخواهد کرد و هیچ گونه ماسحه در مبارزه علیه اشغالگران را نخواهد بخشید.

نیروهای انقلابی باید فوراً ضرورت تشکیل جبهه مقاومت را تبلیغ و ترویج کرده و در راه تشکیل آن قدم بردارند. شرط ورود به جبهه مقاومت تنها توافق بر سر مبارزه بی ایمان علیه اشغالگران و اتحاد در عمل پیشمرگان مسلح در برابر ارتش و پاسداران است. هر حزب و نیروی سازمانی که موافق این مبارزه است، می تواند و بایست در این جبهه

جبهه مقاومت که متشکل از سازمان ها و نیروهای مبارز است، انجام می پذیرد. دقیقاً اینجاست که دیگر حزب بخصوصی نمی تواند پیشمرگان خود را در مقابل پیشمرگان سازمان دیگری در جبهه مقاومت قرار داده و با آنها را بیگانه گردان بگیرد و نیروهای انقلابی و جنبش را تضعیف کند.

واقعیت اینست که خلق کرد در جریان بیزش ضد انقلاب به سندی جبهه مقاومت را در سطح محدود محلی تجربه کرده است. ستاد هماهنگی که بطور محدود در سندی علیه نیروهای اشغالگر سازمان داده شد و متشکل از تمام سازمان های سیاسی رزمنده و آساده مبارزه تشکیل شده بود. نمونه صریح جبهه متحد مقاومت بود. این تجربه گرانبها را باید دو باره به کار بست. اگر آن جبهه مقاومت در برابر حملات ارتش و پاسداران به سندی بود. اینست ضرورت جبهه مقاومت برای اخراج اشغالگر از سراسر کردستان حد چند است. تشکیل جبهه مقاومت بطور محدود و در سطح محلی نمی تواند پاسخگویی نیازهای مبارزه علیه اشغالگران باشد. تهاجم اشغالگران سراسری است. مقاومت نیز باید سراسری باشد. لذا جبهه مقاومت نیز باید در سطح سراسری تشکیل گردد.

این جبهه مقاومت باید فوراً سراسری

مجلس موسسان ملی کردستان تشکیل باید گردد!

باید مانع تشکیل جبهه های واحد مبارزه میان ما و سازمان رزمندگان شود. اختلافاتی که میان ما و سازمان رزمندگان آزاد می طبقه کارگر از چشم انداز انقلاب، درک شرایط کنونی مبارزه طبقه و وجود دارد. نمی تواند مانعی در راه مبارزه مشترک در مواردی که مورد توافق ما است شود. به دلایل بالا از سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر دعوت می کنم با ما در مورد مسایل مشخصی مبارزه طبقه و بخت و تبادل نظر بیرون آورند و پیشنهادات خود را در مورد آن مسایل مشخصی که حاضر به اعتماد عمل در مورد آنها هستند ارائه نمایند. احد اقل انتظاری که از سازمان رزمندگان داریم پاسخ صریح و روشن به این پیشنهادات است.

انقلابی شرایط بحث و تبادل نظر برای تشکیل چنین جبهه های واحد مبارزه ای را میان کلیه نیروهای کارگری و انقلابی بوجود می آورد. در صورتی که رفقای سازمان رزمندگان با پیشنهاد ما جهت تشکیل شورای متحد نیروهای کارگری و انقلابی موافقت. این انتظار از آنها می رود که با ما جهت تشکیل چنین شوری همدا شوند. بخصوص که نیروهای دیگری مانند سازمان وحدت کمونیستی نیز به ضرورت تشکیل جبهه های واحد مبارزه می بردمانند. در صورتی که رفقای رزمندگان نسبت به پیشنهاد ما انتقاداتی دارند یا پیشنهادات دیگری دارند. مشتاق شنیدن آنها هستیم. عدم شرکت دیگر گروهای و توده های جنبش کارگری که می تواند و

ما بارها در گذشته پیشنهاد تشکیل شورای متحد نیروهای کارگری و انقلابی را ارائه کرده ایم. پیشنهادی که هنوز بقوت خود باقی است. شورای متحد نیروهای کارگری و انقلابی جبهه واحد کارگری نیست! چنین شوری با ایجاد شرایط بحث و تبادل نظر میان نیروهای مختلف جنبش کارگری می تواند زمینه های تشکیل جبهه واحد مبارزه را فراهم سازد.

برای مقابله با تهاجمات روزافزون هیئت حاکم، برای دفاع از شوراها و کارگران، برای دفاع از کردستان خونین برای دفاع از کلیه دست آورده های انقلاب کارگران و زحمتکشان و گسترش آنها، تشکیل جبهه های واحد مبارزه ضروری است. شورای متحد نیروهای کارگری و

رزمندگان

مختلف پیشورد آن به پیش خواهد رفت. مبارزه ای که نشان خواهد داد کدام نیرو بر منافع دراز مدت طبقه پای می نشاند و کدام نیرو منافع طبقه را فدای مصالح دیگری (منافع فرقه ای یا سازش طبقه ای) می نماید. دقیقاً به همین دلیل است که نیروهای سازشکار فرقه نگران و تمام طلب از ترس افشای خود در برابر سئیل جبهه واحد می ریزند و مانع از تشکیل جبهه می گردند.

سازشکاران از این طبقه کارگر با وجود اتحاد همسایگی مشخصی برخوردارند. اتحاد عملی تنها برای تحقق چنین اتحاد عملی تنها گون پیشنهاد مشخصی ارائه نداد است.

مجاهدین انقلاب ...

نوشته شده است

پس یکی از اهداف سازمان ما در افراد موین به خط امام در یک سازمان متعصب سیاسی - نظامی برای سرکوب قاطعانه خلق کرد . گونیت هسا . هواداران مجاهدین و خلاصه کلیه سازمانهای و جریانهای مخالف میباشد و در مورد این اهداف حضرت هیچ رو در پایش هم ندانند . آنجا که از عدم قاطعیت حکومت و ششسوی انقلاب صحبت میکنند . ابتدا بر مسئله کردستان انگشت میگذارند و میگویند : " سیاست جمهوری . خردمندانه و مسالمت آمیز دولت سبب شد ما مسالمت گاموز ... در کردستان مسلمانان مبادرت به مبارزه مخفی گردانند ؟ " ... می بینم که راست ترین عناصر مزدور و چپ ترین داریو دسته های خائن ، با علاقه و دقت نقشه های شیطان آمیز اینها را بر علیه انقلاب

اسلام دنبال میکنند . تکرار صحنه های که در حکومت های چون محمد رضای خائن با استالین و هیتلر مشاهده شده و اکنون نیز در کردستان چشم میخورد تأیید این ادعاست . " ما پشت پرده همه این ... زرمه مذاکرات سیاسی و تبلیغ مصالحه با ضد انقلابیون یک چرنشاره جانیه و حساب شده را می بینیم " ... ما ... اعلام میکنیم که هر گونه عقب نشینی در برابر آنها " (خلق کرد) " بازگذاشتن دست آنان در توپخانه های بیشتر و جناپنهای دیگر است . این ساده لوحی است که ما گمان کنیم در برابر ضد انقلابیون میتوان با مصالحه سیاسی به نتیجه رسید " ولی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که سیاست دولت در قبال کردستان را مسالمت آمیز میدانند (خدا میداند سرکوب قاطعانه از نظر ایشان چه مفهومی دارد !) و هر گونه مذاکره با ناپایندگان خلق کرد را قاطعانه محکوم میکند . بیش از همه چیسز از

آرمان های دمکراتیک خلق کرد نفیست دارد و این تقصیر را گمان نمیکند " به دولت هشتاد می دهم که خود مختاری نیز تنها به کسانی می - بایست داده شود که واقعا به جمهوری اسلامی ... معتقدند ... مطرح کردن خواستهایی که در چهار چوب جمهوری اسلامی نیست ... و گذشته از آن " او صحبتی که این از همه بدتر است " مطرح کردن ایران " دمکراتیک و آزاد " جز سنگ انداختن ... و گزشتن در استقرار جمهوری اسلامی نیست " حالا خوانندگان می فهمند که آن اوپاشی که از همان روزهای اول بعد از قیام در خیابانها عریه می کشیدند " دمکراتیک و ملی هر دو فریب خلقند " توسط چه محافل سازماندهی میشوند ؟ و البته بزم این حضرات مشکمل عدم قاطعیت حکومت های کتاکتسون دیده ایم فقط در مورد سرکوب کردستان و چریکهای فدایی و مجاهدین خلق و غیره نیست . آنها در رابطه با " مکتب

برای ۴۰ ساعت ...

نسخه وزیر کار تنها برای " کارمندان زائد " بپیچده نشده بلکه " کارگران زائد " را نیز در برخواهد گرفت . برتانیای تنها راه حل پیشنهادی هیات حاکم در مورد مسئله بیگاری پنهان که خود آنها " عیوب کارمند " می نامند در باختر است و بازنشسته کردن زودرس و اجباری آنان خلاصه نمی شود . بلکه کارکنان مبارز و زنان شاقل را نیز شامل میگردد . با این ترتیب مغزهای متفکر جمهوری اسلامی راه مبارزه با بیگاری پنهان را در افزایش بیگاری آشکار یافته اند . اما راستی عامل این " مرض نظام اداری چیست ؟ خود آقای وزیر کار اساسی ترین عامل را بعنوان یکسی از عوامل " چنین توضیح داده است : " عامل دیگر بر برنامه بودن است و همه می دانیم که بعد از انقلاب بعثت کسرت کارها برنامه جدید ارائه نشد و در اکثر ادارات کارمندان بعثت عدم آگاهی از تکلیف خود کاری انجام نمی دهند . پس حتی خود جناب وزیر سرمایه دار جمهوری اسلامی نیز اذعان دارد که عامل " بیگاری پنهان " در ادارات و کاخجات " می -

برنامه بودن " هیات حاکم است بیعبارت دیگر هیات حاکم بجای بودن در مسل چرکین سرمایه داران که بر بیکر کارگران و زحمتکشان برنشسته و آنان را بشکلی افراد " زائد " در آورده با اخراج ، بازخرید و بازنشسته کردن " زائدین " و با افزایش ساعت کار مبادرت به بریدن سرکارگران و زحمتکشان نموده است . البته این امر کاملاً طبیعی است زیرا علت وجودی هیات حاکم ایران را دفاع از دمل چرکین سرمایه داری تشکیل می دهد . در برابر سیاست های هیات حاکم سرمایه داران زمین داران ، شوراهای کارگری باپشتی مقاومتی گسترده و مبارزهای بیگسزرا سازمان دهند . در برابر سیاست های ضد انقلابی سرمایه داران ، سیاست های انقلاب کارگران باپشتی مطرح گردد . بر بیوق هر شواری کارگری باپشتی شعارهای زیر حاکم گردند :

- * برای ۴۰ ساعت و شیز کار در هفته
- * برای تساوی ساعت کار برای همه
- * بجای اخراج کارکنان زحمتکش ، ساعت کار را کاهش دهید . تا نه بیگاری پنهان را در ادارات و کاخجات متشهود شود و نه بیگاری آشکار در درختیابان ها ■

آب در خوابگاه ...

چاقو نتواند دست خود را بر بد بلکه برادرانه دست در دست هم دهند سه سپهر میهن خویش را در خج اسلامی کنند . مهاجرانی راز ایجاد یک دولت مشترکسر و سرکوبگر را چنین کشف می کنند : " نهاد هایی مانند سپاه و جبهه سازندگی انقلاب را به گوشه و کنار این کشور بردند و چهره اش را به آن زیبایی که شایسته این انقلاب است نشان دادند " حال اگر دولت با این نهادها ترکیب بشود دقیقاً آن فاصله هایی که گفته شد از بین خواهد رفت . این چاقوکش که خواهان وحدت عمل تیغه و دست " چاقو بر علیه مستبدان است از کدام چهره " زیبایی سپاه از خون بیگاران و دکدهاران ساخت تا چهره " سلول عجزهای بنام سرمایه داری را بزرگ کند سخن می راند با از قتل هم

قارنا و تلانتان و ... ؟ مگر جبهه سازندگی که در واقع چیزی جز جبهه بیگاری نیست در کردستان جز سنگر برای نیروهای سرکوبگر چه ساخت و جز جاسوسی کرده که حالا عطاالله ناسی بیاید و به آنان کارت صد آفرین عطا کند بگوید : " حال اگر دولت با این نهاد ها ترکیب بشود ، دقیقاً آن فاصله های که گفته شد از بین خواهد رفت " مگر در این یکسال و نیم جز گول و گرانسی که حالا هر عوامی روزه های تعزیه در پوست شیر برود و خواهان وحدت عمل ابزار سرکوب شود ؟ عطاالله مهاجرانی با طرح این سخنان در مجلس شورای اسلامی در حقیقت به طبقات داری یادآوری می کند که سرمایه داران برای سرکوب زحمتکشان متحد شوند .



ادامه انتشار عقاید حزب کارگزاران سوسیالیست بدون کمک مالی مرتسب و همیشه شا غیرسکن خواهد بود . شرایط دشوار و غیر دمکراتیک که رژیم جمهوری اسلامی بر تشویبان آزادانه عقاید مترقی و انقلابی تحمیل کرده است بخارج چاپ و توزیع نشیات را چند برابر می کند . اگر معتقد به ضرورت دفاع از آزادی بیسان و اندیشه و خواهان انتشار تمام حقایق هستید . از کمک های مالی به ما در رینخ نوزید !

کمک مالی برای انتشار نشریات حزب کارگران سوسیالیست

وحدت تیغه و ...

استباهات گذشته تکرار نشود . بنابراین گروه های مصاحبه برای شناسایی افراد به وجود آمدند و از افراد داپولسب در حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ سؤال در مورد سابل اعتقادی ، سیاسی ، اجتماعی ، تربیتی و اخلاقی می شود . درین حساب مکتب افرادی از زیر دست در بر بودند . اگر سانسور و نقیض عقاید می توانست جلوی نفوذ فرهنگ انقلابی را بگیرد ،

باپشتی اینک رضا پهلوی بر تخت ششم شاهنشسته باشد . ارتجاع سرمایه داری ایران چنان هار و گودن است که از شاه جلا دهد نمی تواند چیزی بیاموزد . مدتهاست که کلاس های درس درختیابان تشکیل می شود . اگر چه بقول شاعر ! کار با عمامه و نظیر شکم افتاده است . خرمه در مجلس بزرگی ها به انقلابیون کشند . اما طوفانی که در راهست ، تعزیر مجلس سرکوبگر را منحل و بر کلیه ضویات ضد انسانی آن خط بطلان خواهد کشید ■

آزادی ملیتهای ستمدیده

(نم دهم)

اتحاد کارگران و زحمتکشان

حکومت جدید سرمایه‌داران که پس از پیروزی قیام بهمن ماه مستقر شده نه تنها گامی جهت پایان بخشیدن به ستم ملی برنداشته بلکه تمام سعی خود را جهت حفظ روابط ظالمانه گذشته و بازسازی دولت سرکوبگر مرکزی بکار برده است. رژیم جمهوری اسلامی در این راه از همکاری ارتجاع عملی و حمایت طبقات دارای ملیت‌های ستمدیده و زمینداران بزرگ سرخوردار بهره‌مند است. در کشور گشای ها و مزدوران زمینداران پیروزگ معالنه دوش به دوش با سرمایه‌داران سرکوب انقلاب‌گردستان مشغول هستند. تسلیح زمینداران بزرگ توسط دولت جمهوری اسلامی در بلوچستان برکسی پوشیده نیست.

سرمایه‌داران و طبقات دارا جهت حفظ منافع استثمارگرانه خود برعلیه توده‌های کارگر و زحمتکش متحد هستند. سرمایه‌داری بوسه ایران به دین سرکوب ملیت‌های ستمدیده نمی‌تواند دولت خود را بر جامعه تحمیل کند. کارگران و زحمتکشان نباید به سرمایه‌داران و دولت آنها اجازه دهند که با تفرقه‌اندازی در صفوف آنها، یا در هم شکستن اتحاد آنها، به سلطه جا برانه خود ادامه دهند. کارگران و زحمتکشان باید علیه تقابل تفرقه‌انگانه طبقات دارا در صفوف خود قاطعانه مبارزه کنند. تفرقه‌انگیزی سرمایه‌داران و هیئت‌حاکم رژیمه راسری سرکوب خواهران و برادران زحمتکش آنها فراهم می‌کند.

رژیم جمهوری اسلامی حلات خود را به ملیت‌های ستمدیده لشکرکشی‌های خود را به گردستان با سوءاستفاده از موقعیت سیاسی که کارگران و زحمتکشان فارس برای آن فراهم آورده‌اند و با سوء استفاده از اعتمادی که کارگران و زحمتکشان به آن داشته‌اند، به پیش برده است. اتحاد کارگران و زحمتکشان به دولت سرمایه‌داران برای ملیت‌های ستمدیده قاجعه آمیز بوده است.

هیئت‌حاکم با استفاده از امکانات وسیع تبلیغاتی خود و با سرکوب طبقات آزاد زحمتکشان، حقایق مبارزات ملیت‌های ستمدیده را وارونه جلوه داده است. هیئت‌حاکم زمانی عوام‌فریبانه انقلاب‌گردستان را فاتحه‌ده انقلاب و عوام‌سپاسی و پالیزیان قلنداد کرده. زمانی با سوء استفاده از احساسات مذهبی زحمتکشان چنگ‌گردستان را بصورت چنگ‌گهر و اسلام قلنداد کرده است و زمانی با تبلیغ تجزیه طلبی ملیت‌های ستمدیده به تضعیفات فارس گرازانسه و افکار ارتجاعی نژاد پرستانه دامن زده

است؛ سرمداران حکومتی بسیار و بیجان‌ترین و شرم‌آورترین دوزخ‌ها احساسات زحمتکشان را بر علیه ملیت‌های ستمدیده تحریک کرده‌اند. دوزخ بودن ادعاهای سرمداران حکومتی برکسی پوشیده نیست. اعمال جنا پتکارانسهی که تنها از عهد حاکمین جد پیسده سرمایه‌دار بر می‌آید. اعمالی مانند قتل عام و شکنجه و کوچکنیدن ارتباطی به پیشمرگان قهرمان کرد ندارد. کارگران و زحمتکشان نمی‌توانند و نباید ادعاهای سزا با دوزخ حاکمین سرمایه‌دار را باور کنند. طبقات دست‌نشانده و رادپو و تلویزیون دولتی چیزی جز دوزخ و عوام‌فریبی در چینه ندارند. کارگران و زحمتکشان باید از سیاست‌های تفرقه‌انگانه طبقات دارا بیزند و وحدت آنها با کارگران و زحمتکشان ملیت‌های ستمدیده نباید آلت دست تفرقه‌انگیزی دشمنان طبقاتی آنها شود.

شوراهای کارگران، سربازان، گاردان و دیگر زحمتکشان نمی‌توانند نسبت به تجاویزاتی که به حقوق ملیت‌های ستمدیده به دیگر خواهران و برادران زحمتکش آنها می‌شود بی‌تفاوت بمانند. شوراهای زحمتکشان باید مسئله ملیت‌ها را در جلسات صریح به بحث بگذارند. علیه تبلیغات تفرقه‌انگانه طبقات دارا در صفوف خود مبارزه کنند. شوراهای زحمتکشان باید در باره حقایق اشتغال مناطق زندگی ملیت‌های ستمدیده توسط دولت مرکزی مستقلا تحقیق کنند. آنها باید قاطعانه همبستگی خود را با مبارزات ملیت‌های ستمدیده بیان کنند.

کارگران و زحمتکشان فارس باید از آزادی کامل ملیت‌های ستمدیده، بدون هیچ گونه قید و شرطی دفاع کنند. تنها از این طریق است که آنها می‌توانند ستم را که تحت نام آنها علیه برادران و خواهرانشان در میسان خلق‌های ترک، کرد، بلوچ، عرب، ترکمن، ارمنه و غیره از طرف دولت مرکزی روا می‌شود، جبران کنند. تنها از این طریق است که زحمتکشان ملیت‌های ستمدیده اعتمادشان به کارگران و زحمتکشان فارس جلب می‌شود و اتحاد کارگران و زحمتکشان در برابر سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ مستحکم می‌شود.

کارگران مبارز در عمل تجربه کرده‌اند که سرکوب انقلاب‌گردستان و مبارزات ملیت‌های ستمدیده با تهاجم ارتجاع به مبارزات مستقل کارگران همراه بوده است. تضعیف شوراهای زحمتکشان همراه با تهاجم ضد انقلاب به گردستان بوده است. جلوگیری از بخش‌نشریات کارگری با سرکوب مبارزات ملیت‌های ستمدیده همراه بوده است.

خلق قهرمان کرد، با فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های فراوان گردستان را به سنگر انقلاب تبدیل کرده است. ارتجاع برای سرکوب مبارزات کارگران برای تهاجم به دست‌آورد‌های قیام بهمن ماه گردستان قهرمان راد برابری خود دیده است. خلق کرد بسیار دادن قربانیان فراوان به طبقه کارگر ایران فرصت داده است تا صفوف خود را متشکل کند. بدون مبارزه قهرمانانه خط‌مشی کرد حکومت جدید سرمایه‌داران بسیار سرحتر قادر بود که دولت استبدادی خود را بازسازی کند و زمینه را برای تهاجم به شوراهای کارگران و دیگر زحمتکشان آماده سازد. دفاع از انقلاب گردستان دستگیر انقلاب‌گردستان دفاع از سنگر انقلاب ایران است. دفاع از مبارزات ملیت‌های ستمدیده از دفاع از شوراهای زحمتکشان جدایی ناپذیر است.

۳- به اشتغال نظامی مناطق زندگی ملیتهای ستمدیده پایان دهید

تحویل عقب‌مادگی و ستم ملی ستمدیده‌ها به اشتغال نظامی مناطق زندگی آنها توسط دولت مرکزی همراه بوده است. قوای سرکوبگر دولت مرکزی ارتش، ژاندرمری و در مناطق زندگی ملیت‌های ستمدیده مانند یک ارتش اشغالگر خارجی با افراد بومی رفتار کرده است. دولت مرکزی آگاهانه در مناطق زندگی ملیت‌های ستمدیده سربازان ملیت‌های دیگر را بکار گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی به شیوه‌های ستمگری دستگاه استبداد سلطنتی ادامه داده است. فرمانده لشکر ارومیه چندی قبل دستور اخراج سربازان کرد را صادر کرد. سرمداران حکومتی و زحمتکش ارتش حاکمیت دولت مرکزی بر مناطق زندگی ملیت‌های ستمدیده سخن راندند. آنها حق حاکمیت دولت مرکزی را مساوی اشتغال نظامی گردستان قلنداد کرده‌اند. وحشیگری‌های سپاه پاسداران سرکوب انقلاب گردستان برکسی پوشیده نیست. بیماریان شهرهای گردستان توسط بمب‌های خوشه‌ای و ناپالم سبزان جنا پتکاری دولت مرکزی را برای همه روشن کرد. بیماریان‌های وحشیانه گردستان نشان داد که برای سرمداران حکومتی زندگی زحمتکشان ملیت‌های ستمدیده چه ارزشی دارد. تهاجم نظامی دولت مرکزی به گردستان ماهیت اشغالگر و تجاویز کار رژیم جدید سرمایه‌داران را در عمل نشان داد.

دولت مرکزی به بهانه دفاع از مرزها در شهرهای گردستان دست به ناپوش قدرت می‌زند. به بهانه دفاع از مرزها گردستان را به خاک و خون می‌کشد. کارگران و زحمتکشان نباید عوام‌فریبی‌های هیئت‌حاکم را باور کنند. برای هیئت

حاکم سرکوب انقلاب گردستان بی‌شمار دفاع از مرزها اهمیت دارد. سرمداران حکومتی کسان هستند که برای سرکوب گردستان با پول مردم محروم و ستمدیده ایران از آمریکا لوازم پندگی افزارهای جنگی را وارد کردند.

دفاع از مرزها را به خلق کرده و دیگر ملیت‌های ستمدیده واگذار کنید. آنها بهترین مدافعین از انقلاب خودشان هستند. شوراهای کارگران و زحمتکشان را مسلح کنید آنها بهترین پاسداران انقلاب خودشان در برابر تجاویزات ارتجاع امپریالیزم هستند. دولت مرکزی حکومتی است که در مقابل به با انقلاب گردستان از قیاده مرکزی، دست پیورده ساواک و سپاه زرگساری، عامل بخت‌عراق، حمایت می‌کند. چنین حکومتی قایر به دفاع از انقلاب ایران در برابر تهاجم امپریالیزم نیست.

سرمایه‌داران و طبقات دارا از ارتش پلیس، سپاه پاسداران، ژاندرمری و دیگر قوای انتظامی جهت حفظ منافع خودشان استفاده می‌کنند. قوای نظامی چیزی جز ابزار سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان نیستند. کارگران مبارز باید از این حقیقت آگاه شوند که سرمایه‌داران و طبقات دارا با تهاجم نظامی به انقلاب گردستان و مبارزات ملیت‌های ستمدیده سربازان و پاسداران خود را جهت سرکوب آموزش می‌دهند. شیوه‌هایی که امروز جهت سرکوب مبارزات ملیت‌های ستمدیده بکار می‌رود فردا علیه شوراهای کارگران و مبارزات کارگری بکار گرفته خواهد شد. به هیئت‌حاکم

بفهمد صفحه ۱۴



چه باید کرد، ابزار مبارزه زحمتکشان است

نشریه چه باید کرد، آزاد باید گردد!

آزادی ملیتهای ستمدیده

سرمایه دار اجازه ندهید که برای سرکوب شوراهای زحمتکشان تدارک بیفتد - به آنها اجازه ندهید که سرسازان و پاسدارانشان را از نظر نظامی و روانی آماده سرکوب شوراهای زحمتکشان نمایند - خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط ارتش و سپاه پاسداران از مناطق زندگی ملیت های ستمدیده شوید - با تشکال نظامی کردستان پایان دهید -

کارگران و زحمتکشان باید بدانند که دولت جدید سرمایه داران برای سرکوب ملیت های ستمدیده میلیون ها تومان خرج افزایش جنگی می کند - میلیونها تومان صرف حقوق مزد ویران خود می کند - حقوق ماهیانه مزد ویران پاسدار چیست سرکوب انقلاب کردستان و کشتار پیشروان و مبارزین خلق کرد چندین برابر حقوق کارگران ساده است - هیئت حاکم سرمایه دار بجای حل مسایل توده های محروم و ستمدیده ایران ، بجای حل مسئله بیگاری بجای ساختمان راه ، بیمارستان و مدرسه بودجهای را کسبه نتیجه زحمت کارگران و زحمتکشان است صرف تعریف شهرهای کردستان و صرف کشتن برادران و خواهران زحمتکش ما می کند - شوراهای کارگران و زحمتکشان برای دفاع از منافع طبقاتی خود ، برای دفاع از حقوق توده های محروم ستمدیده ایران ، برای دفاع از مبارزات ملیت های ستمدیده باید خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط پاسداران و ارتش اشغالگر از مناطق زندگی ملیت های ستمدیده شوند -

۴- به ستم ملی پایان دهید

تحویل هرگونه ستم بر اساس زبان فرهنگ و نژاد باید صریحاً قانونی اعلام شود - کلیه قوانینی که فرهنگ ، زبان یا مذہب یک ملیت خاص را بعنوان مذہب رسمی و عمومی می شناسد باید فوراً ملغی اعلام شود -

دولت مرکزی باید فوراً خسارتی را که به ملیت های ستم دیده وارد کرده است جبران کند - کلیه خرابی های جنگی که توسط دولت مرکزی به ملیت های ستمدیده تحمیل شده است باید فوراً جبران شوند هر چند که چنانچه هیئت حاکم سرمایه دار طبقه ملیت های ستمدیده قابل جبران نیست - ملیت های ستمدیده مبارزات آنها توسط حکومت مرکزی سرکوب شده است حق آنها دارند که عوامنسل سرکوب خود را محاکمه کنند - آنها باید چنان پنگارانی مانند خلخالی را که افسراد بیمار را در حالی که قادر به ایستادن بر سر پا نبودند به جوخه اعدام سپردند محاکمه بکنند -

دولت مرکزی باید برزایه وسیعی برای عمران مناطق زندگی ملیت های ستمدیده به اجرا بگذارد - دولت مرکزی باید تمام بی توجیبی ها و استتارهای گذشته را جبران کند - اجزای برنامه های عمرانی دولت مرکزی نباید وسیله ای جهت بهانه جویی و سرکوب بیشتر این ملیت ها قرار گیرد - دولت مرکزی نمی تواند برنامه های عمرانی را که مورد قبول این ملیت ها نیست مانع از ایجاد سازندگی (در حقیقت جهاد جاسوسی) در کردستان را بر این

دموکراتیک اکثریت شان را در برآورد - سرنوشته خوش اعلام کند - هرگونه توصیه و پیشنهاد دولت مرکزی به ملیت های ستمدیده نیز باید بهمیسن مجلس ها ارائه شود - این مجلس های موسسان ملی خواهند بود که تصمیم نهایی و قطعی را خواهند گرفت - کارگران و زحمتکشان فارس نباید فریب تبلیغات زهر آگین هیئت حاکم را در مورد تجزیه طلبی خلق های ایران بخورند - تنها زحمتکشان ملیت های ستمدیده می توانند در مورد جدایی با اتحاد یا دیگر ملیت های ایران تصمیم بگیرند - نه دولت مرکزی و نه هیچ نیروی دیگری حق تحمیل نظرات خود را بر این ملیت ها ندارد - اتحاد کارگران و زحمتکشان سراسر ایران در گروه ستم رسیم شناختن حق تعیین سرنوشت ملیت های ستمدیده حتی تا جدایی خود از شوراهای سراسری کارگران و دیگر زحمتکشان تنها با به رسمیت شناختن این حق قادراند که اتحاد کارگران و زحمتکشان ملیت های ستمدیده را جلب کنند -

۳- حق تعیین سرنوشت

خروج ارتش مرکزی و سپاه اشغالگر پاسداران از مناطق زندگی ملیت های ستمدیده زمینه را برای تحقق اراده ملی ستمدیدگان و زحمتکشان این ملیت ها آماده می سازند - خروج ارتش و سپاه پاسداران از مناطق زندگی ملیت های ستمدیده ، امکان پایان بخشیدن به ستمی را که دولت مرکزی به زور اسلحه بر این توده های محروم و ستمدیده تحمیل کرده ، بوجود می آورد - بسا پایان بخشیدن به اشغال نظامی مناطق زندگی این ملیت ها - زحمتکشان ملیت های ستمدیده قادر خواهند بود که مجلس موسسان ملی خود را تشکیل دهند و اراده ملی خود را بهر صورت که بخواهند اعمال کنند -

حق کلیه ملیت های ستمدیده ایران در تعیین سرنوشت خویش باید در قانون اساسی ایران به رسمیت شناخته شود - دولت مرکزی باید اعلام کند که خلق های ستمدیده ایران هر زمان که اراده کنند می توانند از طریق تشکیل مجلس موسسان ملی خود تصمیم

ملیت ها تحمیل نماید - برنامه های عمرانی دولت مرکزی باید از تصمیم شوراهای زحمتکشان همان منطقه یا مجلس ملی آنها بگذرد -

۵- وحدت ملی ملیتهای ستمدیده

احساس همبستگی عمیقی که بین ملیت های ستمدیده ایران و اجزای دیگرشان در کشورهای همسایه وجود دارد امری است طبیعی و کاملاً مترقی - ملیت ایران باید از دامن هیچ گونه کتکی در راه گسترش مبارزات آزادی بخش ملیت های ستمدیده در سراسر منطقه فرودگزار نکند -

کسی نیست که از مبارزه کرد های عراق بر طبقه رژیم بعثت اطلاع داشته - رژیم جمهوری اسلامی اگر واقعا رادعا - های خود در مورد مبارزه با رژیم بعثت عراق جدی است باید از دادن هیچ گونه کتکی در راه مبارزات آزادی بخش کرد های عراق از کمک های نظامی و مادی گرفته تا حمایت سیاسی و معنوی فروگذار نکند - باید پشتیبانی بدون قید و شرط خود را از مبارزات کردان عراق اعلام کند - سرمداران رژیم جمهوری اسلامی بجای پشتیبانی از مبارزات کرد های عراق تمام امکانات تبلیغاتی خود را جهت بی اعتبار نمودن اتحاد به میهن پرستان کردستان عراق در میان مردم انقلابی

سیاست مالیاتی دولت در قبال مستضعفین و مستکبرین

دولت سرمایه دار آقای بنی صدر وانمود میکند که حمله به سطح زندگی مزد بگیران و حقوق بگیران منکلت و از جمله قانون جدید مالیات بردارند و بیسکه (کمپوزب آن مبلغی بومالیات بردارند کارگران و کارمندان افزوده شده - مبلغ قابل توجهی از درآمد کارگران باید صرف پرداخت حق بیمه شان شود) تنها چاره نجات دادن دولت از ورشکستگی مالی است - ولی بررسی دفاتر مالیاتی شهرستان اهواز نشان میدهد که بخش عمده ای از این ورشکستگی را دولت خودش بر سر خود ش آورده و ورشکستگی مالی دولت راه حل های بسیار مورتی دارد - این دفاتر مالیاتی نشان میدهد که درآمد دولت از مالیات در سال ۵۸ حدود ۶۴ میلیون تومان نسبت به سال قبل پائین آمده است (از ۲۰ میلیون تومان به ۵۲ میلیون تومان) - حال آنکه مالیات دریافت شده از مزد و حقوق بگیران (با در نظر گرفتن کوشدن تعداد آنها در اثر تورم بیگاری) تقریباً ثابت بوده است - این کسری را چگونه میتوان توجیه کرد ؟ توضیح این کسری بظاهر عیب در سیاست مالیاتی دولت در قبال مستکبرین نهفت است -

دولت سرمایه دار آقای بنی صدر در سال جاری مأمور اصلاح مالیات های سازمان در شهرستان اهواز را مریض کرد ماند !! - اعلام کرده اند کسانیکه به کسب و کار تجارت مشغولند لازم نیست در بزرگن بزرگ تشخیص و پرداخت مالیات تجملاتی داشته باشند - ج - به کلیه ادارات مالیات بردارنده بخش نامه شد ماست کسانیکه بیش از ۱۰ هزار تومان مالیات بدهکارند مشمول ضمه ۲۰٪ به دی خود میشوند - این بخش نامه به معنای بخشودگی حسدود ۲ میلیون تومان برای بعضی ها بوده است !!

د - اصلاح کرده اند که تخمین درآمد ها (آنجا که تخمین لازم است) بر اساس مغزوفات سال ۱۳۵۰ انجام گیرد ! این برای برخی به معنای نصف شدن مالیات بردارنده بود -

س - بنیم که دولت حامی مستضعفین برای نجات مستکبرین از ورشکستگی خود ش را ورشکست ساختند - و حالا بار این ورشکستگی را میخواهد از طریق حمله به سطح زندگی زحمتکشان به آنها مختلف بردوش آنها بیندازد - واقعا که با چنین حامیانی چه کسی دشمن لایزالند !

سگنی با هم آینه گان

مدتها قبل قول دادیم که بخش جدیدی در چه باید کرد را به نام های خوانندگان اختصاص خواهیم داد...

وحدت چاپ

رقای چه باید کرد

من یکی از هواداران نشریه را کارگر هستم اما گاه و گاهی نشریه شما را نیز مطالعه می کنم...

دفاع از مجاهدین خلق

به رفقای هیات تحریریه چه باید کرد نشریه چه باید کرد شماره ۲۰ مقاله داشت تحت عنوان: به دفاع از مجاهدین خلق برخیزیم...

در ضمن در همین مقاله گفتیم که ماست که بین اسلام مجاهد پسند و اسلام آقای پیشش تفاوت است...

در ضمن در همین مقاله گفتیم که ماست که بین اسلام مجاهد پسند و اسلام آقای پیشش تفاوت است...

م - تهران

۴ ساعت کار در هفته

برادران هیات تحریریه من کارگر کارخانه ۰۰۰ هشتم در شماره ۲۱ روزنامه خبر داد بد که کارگران گیلان ۴۰ ساعت کار در هفته را گرفته اند...

در ضمن اگر نامم را جواب بدهد اسم من و کارخانه را بگذارد چون انجمن اسلامی کارخانه همان کارهای کمیته حفاظت سابق را می کند...

دریافت مرتب نشریه

چه باید کرد رفیق زک - تنبها راه دریافت نشریه دادن اسم و آدرس به یکی از فرستندگان نشریه است...

صدای حزب کارگران سوسیالیست

دوره دوم، شماره ۲۲
شماره ۶/۱۳۵۹

برای ۴۰ ساعت کار در هفته! برای کاهش ساعات کار!

آنان را به کارخانجات، ادارات و مزارع فرستاد تا همانند دیگر افراد جامعه کار کنند و صرفاً از یک دسترنج خود اسرار معاش نمایند. اما جمهوری اسلامی هیچ اصل مقدس از اصل حفاظت نظام سرمایه‌داری و منافع سرمایه‌داران نیست. هر چند نظریه پردازان دست‌اندر کاران و قانون اساسی جمهوری اسلامی سعی کنند این واقعیت کبریه را با تفسیر "شروع محدود و مشروط" بزرگ نماید در اصل مطلب تغییری آید نخواهد شد.

بهرحال در مقابل این سیاستهای مزورانه و ضد کارگری هیات حاکم، طبقه کارگر ایران با پشت سرخانه بنسازیه نماید تا ساعت کار همه کارگران زحمتکش یکسان گردد. تا ۲۴ بجای ۲۸ ساعت کار "آسامیری" و ۲۴ ساعت کار "اسلامی" اصل حداکثر ۲۰ ساعت کار

که خواست توده و وسیع زحمتکش و استثمار شدگان است مرحله اجرا درآید. اما فقط یک طرف این که هیات حاکم - یعنی افزایش ساعات کار - را توضیح دادیم. اکنون اجازه بدهید طرف دیگر آنرا نیز مورد بررسی قرار دهیم. در مسأله‌های که غیرکاری پارس با وزیر و امیر اجتهای بعمل آورده و متشن آن در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۲۸ مرداد چاپ رسیده، از آقای وزیر سؤال شده است حالا که دولت ادعا می‌کند در بخش دولتی با "تورم کارمند" مواجه است پس چه احتیاجی به افزایش ساعات کار وجود داشته است؟ وزیر است؟ "تورم کارمند" اسلام ضمن ارزیابی مسئله "تورم کارمند" بعنوان "مرض نظام اداری" موجود اظهار می‌دارند که "ولی راه سد آوای آن با این آوردن ساعت کار نیست" و در نتیجه "باید کادر را کوچک و کارشناسان را بزرگ و بازنشسته کنیم" قبیل از هر چیز لازم به تذکر است که اولاً این

بقره صفحه ۱۲

چیزی که ظاهراً آقای رئیس جمهور در پخشنامه ۲۲ تیرماه خود برایش خیللی اهمیت قائل بود!

از تئوری مدعیان و اسلام هیات حاکم که بگذریم به استدلالات "انسان درستانه" اش برسیم. هیات حاکم لایحه افزایش ساعات کار را "لا چیه پکسان شدن کار کارندان و کارگران" و با "اصل برابری ساعات کار" ناگفتاری کرده است. دستگاه دولت سرمایه‌داری ایران به دو دلیل دروغ می‌گوید و به "اصل برابری ساعات کار" ابداً اعتقادی ندارد. چرا؟ زیرا اولاً مطابق تبصره شماره ۲۴ لایحه مزبور "این قانون شامل کارگران مشمول قانون کار کشاورزی نمی‌شود" و بنا به اظهارات ۲۷ مرداد آقای وزیر کار با غیرکاری پارس، کارگران کشاورزی با پشت هفتای ۲۸ ساعت کار کنند. و ثانیاً بنا به اصل برابری واقعی ساعات کار همه افراد جامعه که قادر به انجام کار هستند با پشت دارای ساعت کار یکسان باشند. اما در جامعه ما چند خانوار تجار "اسلامی" سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگی که صاحب وسایط تولید هستند ابداً کار نمی‌کنند و تمام عیش و نوش خود را بدون زجر و زحمت مداوم کارگران، کارکنان دولت و دهقانان تقیر هستند. لذا برای اجرای اصل برابری ساعات کار باید مالکیت ابزار اساسی تولید در جامعه از دست متشن مفتخور بدر آید و سرمایه‌های آنان به نفع کل کارگران و زحمتکشانی ملی گسرد. بدون این که دیناری بعنوان فراموشست به آنان پرداخت گردد - سپس با پشت

طی مرداد اسامی انواع و اقسام بخشنامه‌ها، تصویب نامه، لوایح و قوانین ضد کارگری مورد بحث، تائید و تصویب هیات حاکم قرار گرفته است. از این نقطه نظر مرداد ۵۹ را با پشت "اسلامی" انقلاب کارگری، هیات حاکم مدافع سرمایه‌داری ایران نامیده‌چرا؟ زیرا در همین ماه بود که ۲۰ درصد حق‌السهم کارگران در سود نوز کارخانجات لغو گردید تا همه آن یک جا به جیب سرمایه‌داران سرازیر گردد. "لا چیه قانونی" تشکیل شوراها پشت سرکارگران طرح ریزی شد تا شوراها ساز کارگران را تضعیف و منحل نمایند. وزیر نفت جمهوری اسلامی همراه با دادگاه انقلاب خوزستان و جامعه روحانیت و امام جمعه اهواز علیه شورای مرکزی کارگران صنعت نفت جنوب دست به توطئه زدند. اطلاعاتی صادر کردند. فتوا دادند و پاسدار فرستادند. در همین ماه تصمیم گرفتند تا از افزایش مرجعیتی سالانه کارگران و کارندان جلوگیری شود و بالاخره حق حداکثر ۲۰ ساعت و ۵ روز کار در هفته به لایحه حد اقل ۲۴ ساعت و ۶ روز کار در هفته تبدیل گردید. البته بطور منطقی بعد از انقلاب فرهنگی و "انقلاب اداری" میبایستی نوبت به "انقلاب کارگری" هیات حاکم ضد انقلابی می‌رسید. که رسیده!

"لا چیه پکسان شدن ساعات کار کارگران و کارندان" چیست؟ منظور از این لایحه، تعیین ۲۴ ساعت کار در هفته است. ابتدا بین هیات حاکم برای تصویب این لایحه به چه زمینه سازی‌ها و بقول خودشان "جو سازی" - هایی دست زد. رئیس جمهور بنی‌صدر در روز ۲۳ تیرماه بناسبت فرا رسیده. ماه رمضان بخشنامه‌ای صادر می‌کند و طی آن دستور می‌دهد که ساعات کار ادارات در مجموع نیم ساعت از ماه‌های عادی کمتر شود. اما از آنجایی که کارگران بیشتر



آزادی بیان و اندیشه، ویژه آزادی مطبوعات، یکی از اساسی‌ترین دست‌آورد های قیام مردم شندیده و زحمتکش ایران علیه ارتجاع و استبداد است.

بدون مطبوعات آزاد، دفاع از منافع و خواست های زحمتکش بخش‌های مبارزات آنان و سازماندهی مبارزه در راه پیشبرد انقلاب ایران غیر ممکن است.

نظم جمهوری اسلامی با جلوگیری از انتشار نشریات مترقی و انقلابی و ضرب و شتم و دستگیری طرفداران آزادی مطبوعات از منافع سرمایه‌داران و زمینداران دفاع می‌کند و به حلات ارتجاع بر دست‌آورد های قیام بهمن ماه پاری می‌رساند.

در برابر حلات هیات حاکم به آزادی مطبوعات مقاومت کنیم و به توفیق نشریات مترقی و انقلابی اعتراض کنیم. باید جبهه متحدی از کله، نیروها و سازمان های مترقی و انقلابی برای اعتراض به این حمله ارتجاعی تشکیل گردد و مبارزاتی گسترده برای آزادی مطبوعات سازمان یابد. ★